[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات بنیادین علوم انسانی در چهارچوب رسالت‌های مجمع عالی علوم انسانی اسلامی منتشر می‌شود.
سال ۱۰ / شماره ۱ / شماره پیاپی ۳۴ / بهار ۱۴۰۳

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: عطاءالله رفیعی آتانی
سردبیر: احمدحسین شریفی
مدیر اجرایی: سیدمهدی موسوی
بازبین نهایی: سیدمهدی موسوی
ویراستار: حمیدرضا عرفانی‌فر
صفحه‌آرا و طراح جلد: مهناز شاه علی‌زاده

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا: سعید بهشتی(استاد گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی. تهران. ایران.)، سید محمدرضا تقوی (استاد گروه روانشناسی بالینی دانشگاه شیراز. شیراز. ایران.)، عطاءالله رفیعی آتانی(استادیار گروه مهندسی پیشرفت اقتصادی دانشگاه علم و صنعت ایران. تهران. ایران.)، احمدحسین شریفی (استاد گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره). قم. ایران.)، نجف لک‌زایی (استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع). قم. ایران.)، سید حسین میر معزی(دانشیار گروه اقتصاد اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. قم. ایران.)، حسن آقا نظری (استاد گروه اقتصاد اسلامی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم. ایران.)
اعضای مشورتی هیئت تحریریه: حسین بستان (دانشیار گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم. ایران.)، سید احسان رفیعی علوی(دانشیار گروه فقه مضاف دانشگاه باقرالعلوم(ع). قم. ایران.)، محمد کاویانی آرانی (دانشیار گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم. ایران.)، محمدجواد نوروزی (استاد گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره))، جاوید اقبال(استاد دانشگاه اسلامی علیگر. هند.)، طلال عتریسی(استاد دانشگاه بیروت. لبنان.)

نشانی دفتر فصلنامه:
تهران: خیابان شهید مطهری، خیابان میرعماد، نبش کوچه هشتم، پلاک ۲۳ طبقه سوم
تلفن: ۰۹۹۳۵۴۰۴۶۱۷
کدپستی: ۱۵۸۷۸۱۳۱۱۶.

قیمت: ۲۰۰،۰۰۰ تومان
نشانی اینترنتی: frh.sccsr.ac.ir **پست الکترونیک:** frh@sccsr.ac.ir

ISSN: 2476-745X
E-ISSN: 2783-1418

فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی به استناد ماده واحده مصوب مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی و براساس مصوبه ۵۸۵ مورخ ۱۳۸۷/۰۶/۲۴ شورای عالی حوزه های علمیه، در جلسه مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۲۰ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه از شماره ۱۵ به بعد حائز رتبه علمی-پژوهشی شد. رتبه علمی-پژوهشی این فصلنامه با درجه «ب» در تاریخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۳ تمدید شده است.

- مقالات و مطالب منتشرشده در فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، لزوماً بیان دیدگاه‌های فصلنامه نیست.
- فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی در تلخیص و ویرایش مقالات آزاد است.
- نقل مطالب و تصاویر با ذکر مأخذ بلامانع است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

| سال ۱۰ | شماره ۱ | شماره پیاپی ۳۴ | بهار ۱۴۰۳ |

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

بسمه تعالی

فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی به منظور تمهید مقدمات تحول علوم انسانی و دست‌یابی به علوم انسانی اسلامی، که در اسناد بالادستی ایران اسلامی بر آن تأکید شده است، در محورهای زیر از مقالات پژوهشی اساتید و پژوهشگران حوزه و دانشگاه و دانشجویان تحصیلات تکمیلی استقبال می‌کند:
۱) ارزیابی مبانی فلسفی و روش‌شناسی علوم انسانی موجود؛ ۲) ارائه مبانی فلسفی و کلامی علوم انسانی اسلامی؛ ۳) سیاست‌پژوهی تحول علوم انسانی؛ ۴) اقتصاد علوم انسانی؛ ۵) آینده‌پژوهی علوم انسانی؛ ۶) نقد نظریه‌های بنیادین علوم انسانی موجود و ۷) ارائه نظریه‌های بنیادین در ارتباط با علوم انسانی بومی و اسلامی.
لطفاً به هنگام تنظیم مقالات موارد ذیل رعایت شود:

شرایط اولیه پذیرش مقاله

- مقالات ارسالی به فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی نباید قبلاً در جای دیگری ارائه یا منتشر شده و یا هم‌زمان جهت انتشار به همایش‌ها یا نشریات دیگر ارسال شده باشند.
- نویسنده باید مقاله را از طریق سامانه بارگذاری کند. به مقالات ارسالی از طریق ایمیل ترتیب اثر داده نخواهد شد.

قالب و موضوع مقالات مورد پذیرش

مقالات باید در یکی از قالب‌های: پژوهشی (تحلیل، تطبیق، نقد) یا نقطه‌نظر (دیدگاه مستدل و تحلیلی نویسنده پیرامون یک مسئله خاص) باشد. مجله از پذیرش مقالات مروری صرف، گردآوری و گزارشی و ترجمه معذور است.

حجم مقاله

تعداد واژگان مقاله (با احتساب فهرست منابع): بین ۴۵۰۰ تا ۷۵۰۰ واژه
تعداد کلیدواژه‌ها: ۵ تا ۸ کلیدواژه
تعداد واژگان چکیده: ۱۵۰ تا ۲۵۰ واژه

نحوه درج مشخصات فردی نویسندگان

- تعداد نویسندگان مقالات نباید بیش از سه نفر باشد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

- وابستگی سازمانی نویسندگان باید دقیق و مطابق با یکی از الگوهای ذیل در فایل word درج شود.
  - **اعضای هیئت‌علمی**

    رتبه علمی (مربی، استادیار، دانشیار، استاد)، گروه، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی
  - **دانشجویان**

    دانشجوی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی
  - **افراد و محققان آزاد**

    مقطع تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، سازمان محل خدمت، شهر، کشور، پست الکترونیکی
  - **طلاب**

    سطح (دو، سه، چهار)، رشته تحصیلی، حوزه علمیه/ مدرسه علمیه، شهر، کشور، پست الکترونیکی.
- نویسنده مسئول در آثاری که بیش از یک نویسنده دارند باید حتماً مشخص باشد. عبارت (نویسنده مسئول) جلوی نام نویسنده موردنظر درج شود.
- فرستنده مقاله به‌عنوان نویسنده مسئول در نظر گرفته می‌شود و کلیه مکاتبات و اطلاع‌رسانی‌های بعدی با وی صورت می‌گیرد.

ساختار مقاله

بدنه مقاله باید به ترتیب شامل بخش‌های ذیل باشد:

۱. عنوان مقاله که لازم است اولاً مسئله‌محور باشد و ثانیاً، گویای محتوای مقاله باشد.

۲. نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان

۳. چکیده: چکیده باید در عین اختصار، بیانگر مسئله اصلی پژوهش، روش پژوهش و یافته‌ها و نتایج پژوهش باشد.

۴. مقدمه: [شامل تعریف مسئله، پیشینهٔ اجمالی پژوهش، ضرورت و اهمیت طرح، جنبهٔ نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی و مفاهیم کلیدی مقاله باشد. در یک مقالهٔ علمی پژوهشی نویسنده در بخش مقدماتی مقاله لازم است دست‌کم پاسخ چهار سؤال را به‌صورت ضمنی بیان کند: چه می‌خواهم بنویسم؟ (تبیین مسئله). چرا می‌خواهم بنویسم؟ (اهمیت و ضرورت پرداختن به آن

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

مسئله). چگونه می‌خواهم بنویسم؟ (روش پژوهش) و بر اساس چه بنیانی می‌خواهم بنویسم؟ (پیش‌فرض‌ها یا اصول موضوعه تحقیق)].

۵. بدنـــهٔ اصلی مقاله: (این بخش با توجه به مســـئله‌ای که در هر مقالـــه‌ای موردبحث قرار می‌گیرد می‌تواند متفاوت باشـــد؛ اما به‌طورکلی می‌توان گفت، مناسب است نویسندگان مقالات علمی پژوهشـــی در نظر داشته باشند که در این بخش لازم است: اولاً، مدعای خود را به‌صورتی شفاف بیان کنند. ثانیاً، دلایل اثبات مدعی و شواهد و قرائن آن را به‌وضوح و در شکلی منطقی و منسجم بیان کنند و ثالثاً، نقدهای وارد شده به دلایل یا مدعا را پاسخ دهند.

۶. نتیجه‌گیری: یکی از بخش‌های مهم هر مقاله‌ای بخش نتیجه‌گیری آن اســـت. نویســـنده در این بخش لازم است ضمن بیان واضح یافته‌های تحقیق، مشخص کند که چه نتیجه یا نتایج علمی، عملی، سیاستی، فردی، اجتماعی و امثال آن از مقاله تدوین شده انتظار می‌رود.

۷. کتاب‌نامه

درج پانویس، ارجاعات درون متن و کتاب‌نامه

*** روش استناد دهی: APA

درج پانویس

* از اشاره مستقیم / غیرمستقیم به نام نویسنده / نویسندگان مقاله در متن یا پاورقی خودداری شود.
* اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ارجاعات توضیحی در پانویس ذکر شود.
* از نقل‌قول‌های مســـتقیم و طولانی پرهیز شود (لازم است حتماً در مقاله مشخص باشد کدام بخش از متن، نقل‌قول مستقیم است).
* نقل‌قول‌های مستقیم حداکثر تا ۴۰ کلمه در درون علامت نقل‌قول "" و بیش از آن به‌صورت تورفتگی نوشته شود.

ارجاعات درون متن

* ارجاع به یک آیه از سوره قرآن: (بقره: ۵)
* ارجاع به نهج‌البلاغه: (نهج‌البلاغه: خطبه، ۵۰)
* به‌هیچ‌وجه ارجاعی در پانویس درج نشود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

* اطلاعات کامل ارجاعات درون متن حتماً باید در بخش کتاب‌نامه مقاله نیز درج شود.
* اســـتناد درون متن، داخل پرانتز، شامل (نام خانوادگی نویســـنده/ نویسندگان، سال انتشار، حرف ج شماره جلد: حرف ص شماره صفحه).
* برای تاریخ‌های قمری و میلادی به ترتیب از حروف ق و م استفاده شود. ۱۳۴۰ ق / ۱۹۹۸ م
* درصورتی‌که از یک نویســـنده در یک سال، دو اثر منتشر شده و در متن مورد استناد قرار گرفته باشد، پس از ذکر سال انتشار با حروف (الف و ب) برای منابع فارسی یا (a, b) برای منابع انگلیسی از هم متمایز شوند.
* اگر منبع مورد استناد، دو یا سه نویسنده داشت، نام خانوادگی هر سه باید ذکر شود.
* اگر تعداد نویســـنده‌ها بیش از ســـه نفر باشد، تنها نام خانوادگی نویسنده اول ذکر شده و پس از آن از عبارت «و دیگران» استفاده شود.
* اگر در متن به بیش از یک منبع استناد شده باشد، با نقطه‌ویرگول؛ از هم جدا می‌شوند.

کتاب‌نامه (فهرست منابع پایانی)

*** قرآن و نهج‌البلاغه به ترتیب در ابتدای کتاب‌نامه درج‌شده و در ردیف الفبایی قرار نمی‌گیرند.
* در بخش References که منابع به انگلیسی درج می‌شوند، نام خانوادگی نویسنده به‌صورت کامل، اما از نام نویسنده، صرفاً حرف اول درج می‌شود. مثال: Alston, W
* برای تاریخ‌های قمری و میلادی به ترتیب از حروف ق و م استفاده شود. ۱۳۴۰ ق / ۱۹۹۸ م
* منابعی که در این بخش درج می‌شـــوند، حتماً باید در متن استفاده شده باشند(منابعی که صرفاً برای مطالعه و آگاهی بیشـــتر مخاطب در متن معرفی شده‌اند و در متن به آن‌ها ارجاع داده نشده، نباید در بخش کتابخانه درج شوند).
* نظم منابع باید براساس الفبای نام خانوادگی نویسندگان باشد.

نحوه ارجاع به مقالات

* نام خانوادگی، نام. ســـال انتشـــار. «عنوان مقاله». عنوان مجله (به‌صورت Bold). عدد دوره (عدد شماره). عدد صفحات آغازین و پایانی مقاله.
* برای درج عنوان مجله، نیازی به درج واژه‌های نشریه، مجله، فصلنامه، دو فصلنامه، ماهنامه نیست.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

مثال: پارسانیا، حمید؛ اژدری‌زاده، حسین. ۱۳۹۰. «تعین اجتماعی معرفت در نهج‌البلاغه». **اسلام و علوم اجتماعی**. شماره ۶. ص ۴۹-۷.

نحوهٔ ارجاع به کتاب

* برای آثار فاقد محل نشر، ناشر و تاریخ نشر به ترتیب عبارت «بی‌جا»، «بی‌نا» و «بی‌تا» درج شود.

* نام خانوادگی، نام. سال انتشار. عنوان کتاب (به‌صورت Bold). ج (شماره جلد). چ (شماره چاپ). مترجم/ ویراستار/ گردآورنده: نام و نام خانوادگی. محل نشر: ناشر.

مثال: کنوبلاخ، هوبرت. ۱۳۹۰. **مبانی جامعه‌شناسی معرفت**. ترجمه کرامت‌الله راسخ. تهران: نشر نی.

نحوهٔ ارجاع به یک مقاله از مجموعه مقالات

* نام خانوادگی، نام (نویسندگان مقاله). سال انتشار. «عنوان مقاله». عنوان مجموعه مقاله (به شکل Bold). (ج شماره جلد). (چاپ شماره چاپ) (مترجم/ ویراستار/ گردآورنده: نام و نام خانوادگی). محل نشر: ناشر، ص (درج شماره صفحات مقاله در مجموعه مقاله).

نحوهٔ ارجاع به یک منبع الکترونیکی

* نام خانوادگی، نام (پدیدآورندگان). سال انتشار. «عنوان مطلب». تاریخ انتشار. نام پایگاه اطلاعاتی. درج لینک مستقیم مطلب الکترونیکی.

مثال: خامنه‌ای، سیدعلی. ۱۳۷۶. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت‌وزیران به مناسبت آغاز هفته دولت». ۱۳۷۶/۶/۲.

www.leader.ir/fa/speech/1466/www.leader.ir

جداول، نمودارها و تصاویر

- فایل تصاویر مقاله با کیفیت بالا ضمیمه‌ی مقاله شود (ارسال تصاویر پس از پذیرش مقاله و قبل از صفحه‌آرایی، از طریق ایمیل فصلنامه).
- لازم است جداول و نمودارهای مقاله قابلیت ویرایش داشته باشد و به‌صورت عکس ارسال نشود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

سرمقاله

تأملی مجدد درباره رسالت مجله تحقیقات بنیادین علوم انسانی

علوم انسانی، در مقام دانشی که به تبیین، تفسیر، پیش‌بینی و جهت‌دهی به کنش انسانی در ساحت فردی و اجتماعی می‌پردازد، خود نیازمند تفکر مستمر در بنیان‌های نظری، روش‌شناسی و ملازمات نهادی خویش است. مجله تحقیقات بنیادین علوم انسانی بر این مبنا تأسیس شده است که علوم انسانی تنها هنگامی می‌تواند به افق‌های نو در تبیین و مدیریت زندگی فردی و اجتماعی دست یابد که پیش از هر چیز، مورد پژوهش درجه دوم قرار گیرد؛ یعنی پژوهش درباره علوم انسانی برای پیشرفت تولید دانش در چارچوب علوم انسانی. این مجله خود را در جایگاه نظریه‌پردازی «درباره علوم انسانی» می‌بیند و حوزه مأموریت آن به چهار لایه درهم‌تنیده تقسیم می‌شود:

۱. فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی

در گام نخست، این مجله به مطالعه مبانی فلسفی یعنی مبانی معرفت‌شناختی و مبانی هستی‌شناختی علوم انسانی و دلالت‌های روش‌شناختی آن می‌پردازد. هدف، نه‌فقط توصیف روش‌ها و مفاهیم رایج، بلکه نقد آنها، کشف مفروضات پنهان آنها، و امکان‌سنجی بدیل‌های اسلامی در تولید نظریه است. به همین دلیل، این بخش ماهیتی درجه دوم دارد؛ چراکه موضوع آن نه پدیده‌های انسانی، بلکه مفاهیم و ساختارهای نظری دانش علوم انسانی است. در این سطح، موضوع پژوهش مفروضات هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی علوم انسانی است. اینکه آیا انسان را می‌توان همانند اشیاء طبیعی مطالعه کرد؟ چه نوع رویکردهای روشی با ذات علوم انسانی سازگارترند؟ تفاوت‌های بنیادین علوم انسانی با علوم طبیعی در چیست؟ چگونه می‌توان یک روش‌شناسی اسلامی برای علوم انسانی توسعه داد؟ این پرسش‌ها به بررسی پیش‌فرض‌های عمیق در هستی‌شناسی انسان، عینیت در علوم انسانی، و حدود و ظرفیت‌های مفاهیم کلیدی چون عقلانیت، فردیت، جامعه و فرهنگ، معطوف‌اند.

۲. نظریه‌های بنیادین علوم انسانی

در لایه دوم، این مجله بستری است برای نقد نظریه‌های اساسی رایج در علوم انسانی از چشم‌انداز تاریخی، فلسفی، یا تمدنی. در این‌جا، نقد به‌معنای نفی صرف نیست، بلکه به‌مثابه «گشودگی به

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

امکانات نظری دیگر» از جمله تولید علوم انسانی اسلامی، و طراحی چارچوب‌های نو برای مواجهه با مسائل انسانی در جهان معاصر، خواهد بود. بر همین اساس، مسیر تولید علوم انسانی اسلامی نیز از دل مواجهه خلاق، چندلایه و انتقادی با این نظریات آغاز می‌شود؛ نه در تقابل هیجانی با سنت‌های نظری غرب، بلکه در تلاش برای تأسیس رویکردهای ریشه‌دار در تجربه تاریخی، معرفتی و دینی ما.

۳. جامعه‌شناسی علوم انسانی

در گام سوم، مجله به بررسی ساخت اجتماعی تولید علوم انسانی می‌پردازد؛ از جمله نحوه نهادینه‌شدن این علوم در دانشگاه‌ها، شبکه‌های قدرت معرفتی، تعاملات علم و فرهنگ، و افق‌های بومی‌سازی علوم انسانی در بستر اجتماعی ایران. این حوزه، به‌ویژه از منظر جامعه‌شناسی علم و مطالعات فرهنگی علم، امکان آن را فراهم می‌سازد تا فهمی عمیق‌تر از موانع، فرصت‌ها، و سازوکارهای تحول علوم انسانی در جهان غیرغربی پدید آید. زیرا تولید علوم انسانی، نه صرفاً یک پروژه فکری، بلکه فرآیندی اجتماعی و نهادی است. از این منظر، مطالعه فرآیندهای اجتماعی تولید، توزیع، مشروعیت‌بخشی و مصرف علوم انسانی در جامعه، ضرورتی اساسی برای بازسازی آن است. براین اساس در این حوزه، مقولاتی چون: جامعه‌شناسی علم و معرفت؛ مطالعات فرهنگی علم؛ بازتاب قدرت و ایدئولوژی در نظریه‌پردازی علوم انسانی؛ مطالعات تجربه‌شده بومی‌سازی در ایران و جهان اسلام؛ و تحلیل انتقادی جریان‌های فکری در دانشگاه‌ها و نهادهای پژوهشی مورد توجه خواهند بود.

۴. اقتصاد و مدیریت تولید و ترویج علوم انسانی

در لایه چهارم، توجه مجله معطوف به جنبه‌های نهادی و مدیریتی تولید و ترویج علوم انسانی است: چگونه می‌توان سازماندهی بهینه‌تری برای تولید، انتشار، و ترویج علوم انسانی سامان داد؟ چه مدل‌های اقتصادی، حکمرانی و سیاست‌گذاری می‌توانند از پیشرفت علوم انسانی حمایت کنند؟ این پرسش‌ها در پی طراحی نظامی از مدیریت معرفت‌اند که علوم انسانی را به نیروی مؤثر در مدیریت فردی و اجتماعی بدل سازد. روشن است که هرگونه تحول در علوم انسانی، نیازمند مدل‌های نهادی، اقتصادی و مدیریتی سازگار با ماهیت آن است. از این‌رو، در مجله تحقیقات بنیادین علوم انسانی،

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

به مطالعاتی در حوزه‌های طراحی ساختارهای نهادی برای حمایت از تولید و ترویج علم انسانی؛ مدل‌های اقتصادی و مالی پشتیبان پژوهش علوم انسانی؛ تحلیل سیاست‌های علم، آموزش عالی و نوآوری با محوریت علوم انسانی؛ بررسی چگونگی مشارکت علوم انسانی در حل مسائل ملی و اجتماعی، حکمرانی دانش؛ جایگاه علوم انسانی در سیاست‌گذاری عمومی و نقد عقلانیت‌های بروکراتیک در مدیریت علوم انسانی توجه می‌شود. این حوزه، پیوند مستقیمی با سیاست‌گذاری علم و نیز طراحی نظام ملی نوآوری در علوم انسانی دارد و نقش آن در افزایش اثربخشی، استمرار و عمومی‌سازی تولید علوم انسانی غیرقابل انکار است.

۵. رسالت تمدنی مجله

مجله تحقیقات بنیادین علوم انسانی نه‌تنها یک بستر تخصصی برای نشر مقالات علمی در این حوزه‌هاست، بلکه خود را به‌مثابه بخشی از پروژه کلان بازسازی علوم انسانی در جهان اسلام می‌داند. پروژه‌ای که به دنبال آن است که:

- علوم انسانی را از وضعیت مصرفی و ترجمه‌محور خارج کند؛
- پیوند آن را با میراث معرفتی اسلامی و زمینه‌های اجتماعی معاصر بازیابی نماید؛
- و امکانی فراهم آورد برای شکل‌گیری علوم انسانی اسلامی، بومی و تمدن‌ساز.

در این افق، پژوهش بنیادین نه فعالیتی صرفاً نظری و انتزاعی، بلکه پیش‌شرط تولید دانشی موثر در زیست‌بوم فکری و اجتماعی ما است. در این مسیر، بومی‌سازی و تولید علوم انسانی با رویکرد اسلامی دو هدف اساسی و هم‌افزا به شمار می‌روند. بومی‌سازی نه به‌معنای طرد دانش جهانی، بلکه به‌معنای تنسیق و بازتولید آن در بافت تاریخی، فرهنگی و ارزشی جامعه ماست. رویکرد اسلامی نیز کوششی است برای احیای ظرفیت‌های معرفتی تمدن اسلامی، به‌ویژه در مواجهه با مسائل انسان معاصر. در این میان، علوم انسانی اسلامی نه یک پروژه ایدئولوژیک، بلکه یک امکان نظری و پژوهشی برای توسعه پارادایم‌های نوین است که از دل مبانی اسلامی و تجربه تاریخی ـ فرهنگی ما سر برمی‌آورد .مجله «تحقیقات بنیادین علوم انسانی» بر آن است تا بستری برای تلاقی این تلاش‌ها فراهم آورد؛ جایی برای گفت‌وگوی متفکران، پژوهشگران و اندیشه‌ورزان درباره چیستی و چگونگی علوم انسانی، و گامی در

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

جهـــت بنای نظری تمدن نوین اســـلامی. مجله تحقیقات بنیادین علوم انســـانی خود را متعهد می‌داند به بازاندیشـــی در علوم انسانی از منظرهای فلســـفی، انتقادی، جامعه‌شناختی و نهادی و نیز اقتصادی با هدف گشودن افق‌هایی برای تولید علوم انسانی اسلامی، بومی و کارآمد. باور ما این است که آینده علوم انسانی، نه در تکرار چارچوب‌های وارداتی، و نه در ظاهرگرایی‌های افراطی، بلکه در گفت‌وگویی خلاق بـــا مبانی دینی، تجربه تاریخی، واقعیت امروز و ضرورت‌های تمدنی آینده جامعه ما رقم خواهد خورد. امید است مجله از این شـــماره به بعد، آغازگر موجی نو از تأملات بنیادین، نقدها و نوآوری‌های علمی در این عرصه باشد.

ما از همه پژوهشـــگران، منتقدان اجتماعی و سیاســـت‌گذاران حوزه علم انسانی دعوت می‌کنیم تا در این مســـیر با ما همراه شوند: مسیری که به‌سوی تولید علوم انسانیِ واقعی‌تر، حکیمانه‌تر، انسانی‌تر و متناسب با مبانی و آرمان‌های جامعه اسلامی گشوده می‌شود.

عطاالله رفیعی آتانی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

فهرست مطالب

۱۵ گسست بنیادی- دانشی در پارادایم‌های توسعه؛ تحلیل تطبیقی پارادایم توسعه غربی و الگوی پیشرفت اسلامی
امید ایزانلو

۴۵ مؤلفه‌های امکان‌ساز جامعیت دین و تأثیر آن در علم دینی؛ مطالعه موردی اسلام
حمید خدابخشیان خوانساری

۶۵ نقد و بررسی ماهیت علم دینی؛ مطالعه موردی: نقد تعریف‌های علم اقتصاد اسلامی
میثم اکبرزاده، ناصر جهانیان

۹۳ نقد؛ طریق تقرب به حقیقت: تحلیلی مبتنی بر عقلانیت نقاد
سیدمحمدتقی موحد ابطحی

۱۱۵ تبیین فرآیند نظریه‌پردازی حکمی در تولید علم معماری
نسیم اشرافی

۱۳۹ بازنگاهی به جنسیت نفس با نظر به اندیشه‌های صدرالمتالهین
محمدجواد پاشایی، مسعود نورعلیزاده میانجی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۶

نقد و بررسی ماهیت علم دینی؛ مطالعه موردیِ نقد تعریف‌های علم اقتصاد اسلامی

میثم اکبرزاده[۱]، ناصر جهانیان[۲]

چکیده

دینی‌بودن اقتصاد، به‌مثابه یک علم مهم در عرصه علوم اجتماعی، برای مسلمانان و اندیشمندان آن‌ها یک دغدغه بزرگ است. شکی نیست که فقه، اخلاق و مکتب اقتصادی به‌مثابه علومی دینی در مراکز حوزوی و دانشگاهی تلقی به قبول شده است؛ اما در پذیرش علم اقتصاد اسلامی مشکلاتی وجود دارد. به‌نظر می‌رسد شناخت دقیقی از علم اقتصاد اسلامی که بر پایه‌های صحیح دینی و علمی مبتنی باشد وجود ندارد. شناخت‌های ناقص موجب دور شدن حوزه و دانشگاه از یکدیگر شده و وحدت این دو سازمان مؤثر برای حل آن دغدغه بزرگ را خدشه‌دار می‌کنند. برای دست‌یابی به تعریف دقیق علم اقتصاد اسلامی، ابتدا تعریف‌های پژوهشگران اقتصاد اسلامی را بر اساس (هدف، موضوع و روش) بیان و نقد کرده و سپس به تعریفی می‌رسیم که دارای ویژگی‌های ذیل است: ۱- موضوع، هدف نهایی و روش علم اقتصاد اسلامی جهان‌شمول است؛ ۲- جهان‌شمول‌بودن روش بدین معناست که با یک روش کیفی و کمی مبتنی بر سنت‌های الهی «امداد» و «صبر و ارتباط» همه نظام‌های اقتصادی اسلامی و غیراسلامی تحلیل می‌شوند؛ ۳- به‌علت تفاوت‌های کیفی «امدادهای عام» و «امدادهای خاص»، ممکن است تحلیل‌های اقتصادی جهان‌شمول کمتر داشته باشیم (بومی‌شدن بیشتر تحلیل‌ها).

واژگان کلیدی: علم اقتصاد اسلامی، نظام اقتصادی، سنت الهی امداد، سنت الهی صبر و ارتباط، علم دینی

۱. استادیار گروه الهیات، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
M_akbarzadeh@pnu.ac.ir
https://orcid.org/0009-0001-8887-5893

۲. سطح چهار حوزه علمیه قم و کارشناس ارشد اقتصاد از دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
nhj1337@yahoo.com
https://orcid.org/0009-0004-6350-9952

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

مقدمه

دینی‌بودن اقتصاد، به‌مثابه یک علم مهم در عرصه علوم اجتماعی بـرای مسـلمانان و اندیشـمندان آن‌هـا یک دغدغه بزرگ است. شکی نیست که فقه، اخلاق و مکتب اقتصادی به‌مثابه علومی دینـی در مراکـز حوزوی و دانشگاهی تلقی به قبول شده است. به‌تعبیر بهتر فقه اقتصادی مدون، اخلاق اقتصادی مـدون و مکتب اقتصادی مدون مبتنی بر اسلام داریم، حتی می‌توان اثبات کـرد کـه قـانون اساسـی جمهـوری اسلامی در مباحث اقتصادی‌اش بر اساس مکتب اقتصادی اسلام نوشـته شـده اسـت؛[1] امـا در امکـان «علم اقتصاد اسلامی» مشکلاتی وجود دارد.

برخی چون علوم مدرن (طبیعی و انسـانی) را فقـط توصـیفی و تبیینـی (اثبـاتی) تصـور می‌کننـد و از پیشرفت‌های جدید روش‌شناسی‌های (اثبات‌گرایی، تفسـیرگرایی و انتقـادی) ایـن علـوم آگـاهی تفصـیلی ندارند، معتقدند علم اقتصاد فقط اثباتی است و باید از معارف بشری موجـود اسـتفاده کـرد و لازم نیسـت به‌دنبال تولید علم جدیدی رفت. ازسوی‌دیگر اندیشمندانی وجود دارنـد کـه عـلاوه بـر جنبـه اثبـاتی علـم اقتصاد، بر ابعاد هنجاری و مدیریتی آن هم توجه کرده و معتقدند که هرچند در جنبـه اثبـاتی تفـاوتی بـین علم اقتصاد متعارف و علم اقتصاد اسلامی وجود ندارد اما از جنبه‌های هنجاری و کاربردی می‌تـوان علـم اقتصاد اسلامی داشت.[2] البته برخی ادعا کرده‌اند که این جنبه‌های هنجاری و کاربردی را نمی‌توان به علـم به معنای ساینس (با معیار صدق) نسبت داد؛ بلکه این‌ها فناوری (با معیـار کارآمـدی) هسـتند و ازایـن‌رو فناوری دینی و بومی داریم؛ اما علم دینی و بومی نداریم (ر.ک. پایـا، ۱۳۸۶). در پاسـخ بـه ایـن تفکیـک ادعایی، می‌توان گفت: «در وجود دو وجهه علمی و تکنولوژیکی در علوم اجتماعی مدرن بحثـی نیسـت، اما در میزان و نحوه تمایز این دو وجهه، و سپس حکم حاصل از آن- که پس می‌توانیم بخـش علمـی ایـن علوم را بگیریم و در بخش تکنولوژیکی این علوم تصرف کنیم- بحث است: آیا این‌ها دو بخش مستقل در علوم انسانی و اجتماعی هستند یا دو وجه درهم‌تنیده این دانش‌ها، و اگر ایـن‌هـا دو وجـه یـک دانش‌انـد، توصیه حاصل از این تفکیک چه اندازه واقع‌بینانه است؟» (ر.ک. پایا و سوزنچی، ۱۳۹۳).

به‌هرتقدیر علی‌رغم مخالفت‌هایی که در مورد امکان «علم اقتصاد اسلامی» وجود دارد، ادله متعدد فلسفی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تمدنی در کتب و مقالات متعددی ارائـه شـده‌اند کـه می‌تـوان گفت امکان «علم اقتصاد اسلامی» از ترجیح بالاتری برخوردار است.

۱ . در این موضوع، کتب و مقالات متعددی نوشته شده است. برای مثال می‌توان به مقاله ذیل رجوع کرد: جهانیـان، ناصـر. ۱۳۹۲. «قـانون اساسی و الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت». **مجموعه مقالات نخسـتین همـایش ملـی الگـوی اسـلامی - ایرانـی پیشـرفت (جلـد چهارم-کمیسیون تخصصی راهبردها)**. چ ۱. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. ص ۴۱۹ تا ۴۵۸.

۲ . دیدگاه استاد مصباح یزدی (ره) درباره علم اقتصاد این است: «درحالی‌که بخش توصیفی اقتصـاد کـه بـه (علـم اقتصـاد) معـروف است، قابل‌تقسیم به دینی و غیردینی نیست، در بخش توصیه‌ای آن که معمولاً (نظام اقتصادی) نامیده می‌شود، چنین تقسـیمی کـاملاً معنادار است، که درواقع به رفتار اقتصادی انسان‌ها جهت می‌بخشد و «هدف» و «معیار»های آن را تعیین می‌کنـد» (مصـباح یـزدی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۶).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

حال پرسش اساسی این است: «چرا علی‌رغم تلاش‌های بسیاری کـه توسـط پژوهشـگران اقتصـاد اسلامی برای دست‌یابی به تصویری روشن از «علم اقتصاد اسلامی» صورت گرفته است، هنـوز وفـاق قابل‌توجهی در این مسئله وجود ندارد؟»

به‌نظر می‌رسد یکی از دلایل ناکامی در این زمینه، نداشتن شناخت دقیقی از علم اقتصـاد اسـلامی مبتنی بر پایه‌های صحیح دینی و علمی است. شناخت‌های ناقص موجب دورشدن حوزه و دانشـگاه از یکدیگر شده و وحدت این دو سازمان مؤثر برای وفاق قابل‌توجه درمورد امکـان و پـذیرش ایـن علـم را خدشه‌دار می‌کنند. ازاین‌رو شناخت ماهیت این علم هم بـه‌لحاظ «انکشـاف از واقـع» و هـم بـه‌لحاظ «اسلامی‌بودن» باید مورد توجه قرار گیرد. البته معیار «انکشاف از واقع» امروزه با انواع روش‌های کمی و کیفی تأیید، تقویت و تصویب می‌شود؛ اما آنچه در این مقالـه از اهمیـت اساسـی برخـوردار اسـت، دقت بیشتر در معیار «اسلامی‌بودن» علم اقتصاد است.

برای دست‌یابی به شناخت دقیق ماهیت علم اقتصاد اسلامی، لازم است با تحقیق در تعریف‌هـای پژوهشگران «علم اقتصاد اسلامی» و نقد و بررسی آن‌ها، به تعریفی برسیم کـه اولاً فاقـد مشـکلات آن تعریف‌ها بوده؛ ثانیاً معیار «اسلامی‌بودن» این علم را بتواند به‌روشنی بیان کند؛ ثالثاً پاسخ‌گوی نقدهای مطرح‌شده یا قابل‌طرح باشد.

روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است؛ به‌لحاظ روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها، عمدتاً از روش تحلیلی توصیفی استفاده می‌شود.

۱. پیشینه و ادبیات موضوع

پیشینه و ادبیات موضوع را در دو مسیر باید تبیین کرد: ۱- علم دینی؛ ۲- علم اقتصاد اسلامی.

۱-۱. علم دینی

ادبیات بسیار گسترده‌ای درباره رابطه علم و دین از حیث سازگاری یا ناسازگاری در تـاریخ علـوم تجربـی و اجتماعی، به‌ویژه در عصر جدید وجـود دارد. در جهـان مسـیحیت و پـس از آن در جهـان اسـلام بحـث ضرورت، امکان یا امتناع «علم دینی» مطرح شده است (ر.ک. ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۶، ص ۱۰).

تعریف‌های متعدد و گوناگونی از «علم دینی» شده است (ر.ک. ملکیان و دیگـران، ۱۳۷۹، ص ۱۱)؛ اما روشن است که مراد قائلان به «امکان یا امتناع علم دینی»، علومی نظیر فقـه، اصـول، کـلام، تفسـیر و علم حدیث نیست، هرچند آن‌ها به علوم دینی شهرت دارند؛ بلکه امروزه مراد، گزاره‌هـا و معـارف تجربـی (اعم از علوم انسانی و علوم طبیعی) است که به‌گونه‌ای متصف به دین هستند که از آن به «علم دینی» یـاد می‌شود. بر این مبنا، علم دینی، متشکل از مجموعه گزاره‌های اخبـاری و توصـیفی و همچنـین آموزه‌هـای توصیه‌ای و تجویزی است که ضمن داشتن تمامی ویژگی‌های علم (واقع‌نمایی)، عوامل و عناصر دینی نیـز

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

دارد (علی‌تبار فیروزجایی، ۱۳۹۶، ص ۳۹). این عناصر به علم، هویت دینی می‌بخشند؛ اما اینکه عناصر و عوامل مؤثر در دینی بودن علم کدام‌اند و نقش و سهم هر کدام در دینی‌سازی علم چیست، از مسائلی است که منشأ دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلفی شده است (همان، ص ۴۶).

برخی مانند مجید کافی، اجزای رکنی و ساختاری علم را به موضوع، روش، نظریه و هدف (غایت و یا فایده) تقسیم کرده و براین‌اساس، دیدگاه‌های گوناگونی را از پژوهشگران علم دینی ترسیم کرده‌اند (ر.ک. موحد ابطحی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۵). عده‌ای مانند رشاد و علی‌تبار این اجزای رکنی را به مبادی قریبه و بعیده (پیش‌انگاره‌ها و فراپیش‌انگاره‌ها)، مسائل، موضوع، غایت (انگیزه بنیان‌گذار علم) و روش تقسیم کرده‌اند (رشاد، ۱۴۰۰، ص ۱۱؛ علی‌تبار، ۱۳۹۶، ص ۲۳۵). رشاد تأثیر اجزای غیررکنی مانند پدیدآورندگان مسلمان علم و بسترهای تاریخی، فرهنگی اجتماعی اسلامی را دخیل حقیقی در هویت دینی علم ندانسته و تأثیر این مؤلفه‌ها را در اطلاق علم دینی تسامحی می‌داند (همان، ص ۱۲).

در این میان، دیدگاه سه فیلسوف قابل‌توجه است. خسروپناه تولید علم دینی را از طریق «دینی‌سازی نظریه‌ها» از طریق تبیین «انسان بایسته و شایسته»، «انسان تحقق‌یافته» و «تبدیل این به آن» با روش اجتهادی چهار مرحله‌ای (اجتهاد فقهی، اجتهاد استنطاقی، اجتهاد موضوع‌شناختی و اجتهاد نهادساز و سازمان‌ساز) دانسته و معتقد است که این روش می‌بایست فقط در علوم اجتماعی و رفتاری به‌کار گرفته شود و نه در علوم طبیعی (ر.ک. خسروپناه و رجبی، ۱۳۹۹، ص ۸۷).

استاد مصباح یزدی (ره)، علم را «مجموعه مسائل» در تمامی قلمروهای ذهنی، عینی و اعتباری دانسته و آن را چنین تعریف می‌کند: «مجموعه مسائل تشکیل‌شده از موضوع و محمول‌اند که موضوعات آن‌ها زیرمجموعه یک موضوع واحدند و پاسخی برای اثبات یا نفی آن می‌طلبند. هر تلاشی در این راه، تلاشی از سنخ آن علم به‌شمار می‌رود، و منبع یا روش در آن نقشی ندارد؛ بلکه شامل فقاهت (در فقه)، تفلسف (در فلسفه) و تحقیق و پژوهش علمی (در علوم) می‌شود» (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۸۰).

در نهایت، استاد جوادی آملی (دام عزه) که نظریه علم دینی ایشان در دوره‌ای حدود سی سال با ابهام‌ها و نقدهای زیادی مواجه بوده، در کتاب «علم دینی» (۱۴۰۱)، تبیین نسبتاً روشن‌تری از این نظریه ارائه کرد. ایشان دینی‌بودن علم را به دینی‌بودن موضوع در تمامی هستی‌های مستقل از اراده انسان و هستی‌های وابسته به اراده انسان (اعتبارساز) می‌داند. ازاین‌رو اگر موضوع علم، فعل یا قول یا حکم خداوند سبحان باشد آن علم دینی است. بنابراین علوم طبیعی که موضوعش فعل خداوند، علم تفسیر که موضوعش قول خداوند، و علم فقه که موضوعش حکم خداوند است بدون تردید «علوم دینی» هستند؛ اما اگر موضوع علم، فعل یا قول یا حکم انسان (و نه خداوند) باشد، در اینجا باید ملاحظه کرد که آیا این موضوع در طول اراده تشریعی خداوند هست یا خیر؟ اگر باشد، باز علم دینی خواهد شد؛ اما اگر نباشد، علم غیردینی می‌شود (ر.ک. جوادی آملی، ۱۴۰۱، ص ۱۵۹).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

۱-۲. علم اقتصاد اسلامی

دینی‌بودن علم اقتصاد به‌مثابه یک رشته و دیسیپلین، از منظر اندیشمندان و پژوهشگران اقتصاد اسلامی به چیست؟ روشن است که اصول عقاید، فقه، اخلاق و مکتب اقتصادی اسلام به‌مثابه مبادی (قریبه و بعیده) غیر از علم اقتصاد اسلامی هستند؛ همان‌طور که شهید صدر (ره) بین مکتب و علم تمایز قائل بود؛ اما باتوجه‌به اینکه علم اقتصاد اسلامی در مرحله ابتدایی حیات خود در جوامع مدرن قرار دارد، نمی‌توان انتظار داشت که دینی‌بودن این پدیده جدید را به مسائل و نظریه‌های اسلامی نسبت داد. ازاین‌رو در میان بی‌شمار تعاریفی که از علم اقتصاد اسلامی شده است، می‌توان مشاهده کرد که دینی‌بودن این علم به هدف، روش و موضوع دانسته شده است.

اکرم‌خان، چپرا، حسن‌زمان و برخی دیگر از پژوهشگران، معیار دینی‌بودن علم اقتصاد را به تحقق هدف اسلام از اقتصاد دانسته‌اند. فرقانی (۲۰۱۸)، پس از تشریح تعریف‌های مرتبط با هدف، به دسته‌بندی اهداف اعلامی می‌پردازد: ۱- برآوردن نیازهای انسان به‌صورت فردی و جمعی (الغانم، حسن‌زمان، یسری)؛ ۲- رفع تنگناهای اقتصادی، تسهیل و زیباسازی زندگی انسان در جهت آرامش، سعادت و توسعه همه انسان‌ها (انجم)؛ ۳- تحقق بخشیدن به سعادت انسان آن‌گونه که در مقاصد الشریعه پیش‌بینی شده است (چپرا)؛ ۴- رسیدن به فلاح در چهارچوبی کل‌نگر (خان، عارف، حسن) (فرقانی، ۲۰۱۸، ص ۸۰).

دسته دوم از پژوهشگران اقتصاد اسلامی، موضوع را مبنای دینی‌بودن اقتصاد می‌دانند. شهید صدر(ره)، سیدکاظم صدر، محمد عارف، مِتوالی و نقوی رفتار اقتصادی فرد نوعی مؤمن یا مسلمان واقعی یا مسلمان نوعی نمونه و حافظ فرقانی رفتار کارگزار اقتصادی اسلامی (فرد، دولت، جامعه، نهادها) را مبنای دینی‌بودن اقتصاد می‌دانند (ر.ک. حافظ فرقانی، ۲۰۱۸، ص ۸۳ و صدر، ۲۰۱۹، ص ۸۹۹).

دسته سوم از پژوهشگران اقتصاد اسلامی، روش را مبنای دینی‌بودن اقتصاد می‌دانند. این اندیشمندان گستره علم اقتصاد اسلامی را محدود به جامعه اسلامی و رفتار فرد مسلمان نکرده‌اند و آن را به تحلیل رفتار انسان‌ها در هر جامعه‌ای یا تحلیل مشکلات اقتصادی تمامی جوامع با روش مبتنی بر منابع عقلی و نقلی اسلامی گره زده‌اند. چودری، خورشید احمد، قحف، منان، محمد اسلم حنیف، صدیقی، اقبال و لوئیس در این دسته قرار می‌گیرند (حافظ فرقانی، ۲۰۱۸، ص ۸۳ و ۸۱).

پژوهشگران اقتصاد اسلامی هرچند نوشته‌های نه‌چندان زیادی در مورد روش‌شناسی اقتصاد اسلامی نوشته‌اند -مانند (صدر، ۲۰۱۹)، (حنیف و فرقانی، ۲۰۱۱)، (اسد زمان، ۲۰۱۹) و (چودری، ۲۰۱۸)- اما انصاف آن است که هیچ‌یک تاکنون چهارچوب نظری روش‌شناسی کاملاً مستقلی از چهارچوب‌های نظری اقتصاد متعارف (ارتدکس) و اقتصاد غیرمتعارف (هترودکس) نتوانسته‌اند ترسیم کنند. حتی چودری که به‌شدت با مبانی اقتصاد ارتدکسی مخالفت می‌کند و روش‌شناسی توحیدی را

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

معرفی می‌کند، اولاً در چهارچوب نظری فلسفه باسکار (ر.ک. چودری، ۲۰۱۸، ص ۲۶۶) و اندیشه اقتصاد هترودکسی لاوسون (همان، ص ۲۶۷) می‌اندیشد و ثانیاً مبانی قرآنی شفاف و متقنی ارائه نمی‌کند (همان، ص ۲۷۲).

۳. نقد تعریف‌های ارائه‌شده از علم اقتصاد اسلامی

بین پژوهشگران اقتصاد اسلامی در مورد تعریف علم اقتصاد اسلامی، قلمرو آن، نسبت آن با علم اقتصاد، روش‌ها و شیوه‌های تحلیل و حتی در بعضی از فرض‌های اساسی آن هیچ توافقی وجود ندارد (ر.ک. میرمعزی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۹). اشکال وقتی حاد می‌شود که حتی بین مکتب و نظام هم خلط شده و پس از انقلاب اسلامی ایران و با شهادت نابغه شیعه، یعنی، سیدمحمدباقر صدر (ره) عمده مطالبی که به مکتب اقتصادی مرتبط است را با عنوان نظام اقتصادی وارد ادبیات اقتصاد اسلامی کرده‌اند و تفاوت آشکار بین این دو را تشخیص نداده‌اند. البته در برخی نوشته‌ها این تفاوت‌ها تبیین شده‌اند؛ اما تأکید بیشتری می‌بایست بر این خلط‌ها انجام گیرد.[۱] به‌هر تقدیر در این مقاله قصد ورود به مبحث تفاوت مکتب، نظام و علم را نداریم و تمرکز ما بر تعریف «علم اقتصاد اسلامی» است. ازاین‌رو ابتدا طبقه‌بندی تعریف‌های ارائه‌شده را تبیین و نقد کرده و سپس به نقد تعریف‌های ارائه‌شده از سوی پژوهشگران اقتصاد اسلامی می‌پردازیم.

۳-۱. طبقه‌بندی تعریف‌های علم اقتصاد اسلامی

حافظ فرقانی بر اساس حداقل ۲۱ تعریف اقتصاد اسلامی گردآوری‌شده، دو نوع طبقه‌بندی ارائه کرده است: ۱- طبقه‌بندی تعریف بر اساس ماهیت مطالعات اقتصاد اسلامی؛ ۲- طبقه‌بندی تعریف بر اساس میزان تمایز اقتصاد اسلامی از اقتصاد متعارف غربی (فرقانی، ۲۰۱۸، ص ۷۶).

بر مبنای طبقه‌بندی اول، چهار دسته تعریف از اقتصاد اسلامی ارائه شده است که عبارت‌اند از:

۱- اقتصاد اسلامی به‌مثابه مکتب یا نظام یا احکام شرعی یا اصول فعالیت‌های شرعی [خروج از تعریف علم اقتصاد].

۲- اقتصاد اسلامی به‌عنوان بررسی راه‌های تحقق اهداف اسلامی در اقتصاد [علم اقتصاد هنجاری].

۱ - میرمعزی «نظام اقتصادی» را این‌گونه تعریف کرده است: «مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی که شرکت‌کنندگان در نظام را به یکدیگر و به اموال و منابع پیوند می‌دهد و براساس مبانی بینشی و ارزشی مشخص، در راستای مقاصد معینی به صورت هماهنگ سازمان یافته است». اما نویسندگان مقاله این تعریف را نقد کرده‌اند: «در این تعریف، تفاوتی بین محتوای نظام اقتصادی با محتوای مکتب و علم اقتصاد مطرح نیست؛ زیرا مطالعه الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی، چنانچه به‌منظور تبیین روابط علّی و معلولی حاکم بر آن‌ها صورت بگیرد، با محتوای علم اقتصاد یکی خواهد بود، و اگر مراد از آن، لزوم تطابق الگوها و روابط اقتصادی با مبانی بینشی و ارزشی مشخصی باشد، با محتوای مکتب اقتصادی تفاوتی نخواهد داشت» (آقانظری، حسن؛ توکلی، محمدجواد؛ بیدار، محمد، ۱۳۹۷، ص ۳۷).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

۳- اقتصاد اسلامی به‌مثابه بررسی روش‌های حل مشکلات اقتصادی در چهارچوب اسلامی [علم اقتصاد کاربردی یا هنر مدیریت اقتصادی].

۴- اقتصاد اسلامی به‌عنوان مطالعه رفتار انسان (انسان اسلامی) در انتخاب و تصمیم‌گیری [علم اقتصاد اثباتی] (فرقانی، ۲۰۱۸، ص ۷۶).

در این طبقه‌بندی، پژوهشگران اقتصاد اسلامی تلاش کرده‌اند تا ماهیت، قلمرو و مرزهای دانش اقتصاد اسلامی را تبیین کنند که به‌غیر از دسته اول از تعریف‌ها که خروج از تعریف علم اقتصاد است، سه دسته دیگر تعریف‌ها، تعریف علم اقتصاد اسلامی به علم اقتصاد هنجاری، علم اقتصاد کاربردی و علم اقتصاد اثباتی در بستر دینی است؛ اما طبقه‌بندی دوم از تعریف‌های علم اقتصاد اسلامی بر اساس ویژگی‌های متمایز آن از علم اقتصاد متعارف غربی است. به‌نظر فرقانی، اقتصاددانان اسلامی این تمایزها را در سه چیز می‌دانند: ۱- هدف؛ ۲- رویکرد؛ ۳- قلمرو مطالعه (همان، ص ۸۵).

مطالعه دقیق تعریف‌های علم اقتصاد اسلامی نشان می‌دهد که این طبقه‌بندی دوم، ناقص است و اگر قرار است تمایزهای دقیق‌تری بین علم اقتصاد اسلامی و علم اقتصاد متعارف پیدا کنیم، مراجعه به طبقه‌بندی‌های ارائه‌شده در برخی کتب و مقالات مرتبط با «علم دینی» به صواب نزدیک‌تر است.[۱] البته باتوجه‌به نوپا بودن اقتصاد اسلامی، آنچه در واقعیت می‌توان از تمایزهای این دو علم به‌صورت مقایسه‌ای بیان کرد، تمایز این دو در هدف، موضوع و روش است که نقدهای به تعریف‌های علم اقتصاد اسلامی را بر همین اساس دنبال می‌کنیم.

۳-۲. نقد تعریف‌های علم اقتصاد اسلامی

۳-۲-۱. نقد تعریف به اهداف

تعریف‌های زیادی بر اساس هدف توسط پژوهشگران اقتصاد اسلامی صورت گرفته است.

چپرا علم اقتصاد اسلامی را چنین تعریف می‌کند: «اقتصاد اسلامی رشته‌ای از دانش است که به تحقق رفاه بشر از راه نوعی تخصیص و توزیع منابع کمیاب که با مقاصد شریعت سازگار است، کمک می‌کند، بدون اینکه آزادی فردی را بی‌جهت محدود کند یا باعث عدم تعادل‌های اقتصاد کلان و زیست‌محیطی مستمر شود یا همبستگی اجتماعی و خانوادگی یا بافت اخلاقی جامعه را تضعیف کند» (میرمعزی، ۱۳۸۶ الف، ص ۵۷). میرمعزی با نقد و بررسی این تعریف، به تعریف دیگری مبتنی بر هدف می‌رسد: «اقتصاد اسلامی رشته‌ای از دانش است که به تحقق عدالت و امنیت اقتصادی و بارور کردن استعدادهای طبیعت از راه تخصیص و توزیع منابع کمیاب در چهارچوب شریعت اسلام، کمک می‌کند» (همان، ص ۶۲).

---

۱ - برای نمونه به دو طبقه‌بندی اشاره می‌کنیم: ۱- طبقه‌بندی مجید کافی: اجزای رکنی و ساختاری علم عبارتند از: موضوع، روش، نظریه و هدف (غایت و یا فایده) (ر.ک. موحد ابطحی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۵)؛ ۲- طبقه‌بندی رشاد و علی‌تبار: این اجزای رکنی عبارتند از: مبادی قریبه و بعیده (پیش‌انگاره‌ها و فراپیش‌انگاره‌ها)، مسائل، موضوع، غایت (انگیزه بنیان‌گذار علم) و روش (ر.ک. رشاد، ۱۴۰۰، ص ۱۱؛ علی‌تبار، ۱۳۹۶، ص ۲۳۵).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

نقدهای متعددی به این تعریف‌های مبتنی بر هدف وارد است که فقط به چند نقد اکتفا می‌شود:

۱- اگر تمایز علم اقتصاد اسلامی با علم اقتصاد متعارف به این اهداف باشد، شاید بتوان اثبات کرد که برخی نظام‌های اقتصادی سکولار از نظام‌های اقتصادی اسلامی به‌مراتب اسلامی‌تر هستند؛ کما اینکه بدین مطلب در برخی پژوهش‌ها، حتی پژوهش‌های اقتصاددانان مسلمانی مانند حسین عسکری و شهرزاد رحمان (۲۰۱۰) با تبدیل اهداف اسلامی به شاخص اشاره شده است (Rehman, Askari, 2010, p.17).

۲- در این تعریف‌ها خلط بین علم و نظام شده است. اهداف نظام اقتصادی با اهداف علم اقتصاد اصولاً تفاوت دارد. اهداف نهایی نظام اقتصادی رفاه مردم یا تقلیل کمبود کالاها و خدمات؛ اهداف متوسط امنیت اقتصادی، عدالت اقتصادی، رشد اقتصادی، پایداری زیست‌محیطی و ...؛ اهداف تاکتیکی دستیابی به هدف متوسط رشد اقتصادی هشت درصد برای مثال، تخصیص سی درصد از منابع بانکی برای مثال و برخی اقدامات دیگر است؛ اما علم اقتصاد به معنای انکشاف واقعیت‌های پیچیده در نظام اقتصادی است. این علم وظایفی مانند (توصیف، تبیین، پیش‌بینی، آینده‌نگری) به‌مثابه یک اقتصاد اثباتی، (بررسی راه‌های تحقق اهداف متوسط) به‌مثابه اقتصاد هنجاری و (بررسی روش‌های حل مشکلات اقتصادی) به‌مثابه اقتصاد کاربردی یا هنر مدیریت اقتصادی دارد؛ اما هدف ندارد یا اگر داشته باشد، به‌معنای غایت (انگیزه بنیان‌گذار علم) یا غایت به‌معنای فایده است.

۳- حتی اگر هدف علم را به‌معنای غایت هم بگیریم، تمایز علم به اهداف و اغراض سخن کاملی نیست؛ زیرا اهداف فرع مسائل آن علم است. هرچند هر علمی، غرض و هدف خاصی دارد؛ اما باید توجه داشت که اهداف هر علم تابع و متناسب مسائل آن علم است و هر هدف با هر مسئله‌ای تأمین نمی‌شود. ازاین‌رو هدف نمی‌تواند ممیز اصلی باشد (جوادی آملی، ۱۴۰۱، ص ۱۲). البته تمایز به مسائل هم دو اشکال دارد: ۱- علم اقتصاد اسلامی هنوز به بلوغ خود نرسیده است تا تمایز آن با علم اقتصاد متعارف با مسائل سنجیده شود؛ ۲- خود مسئله یا گزاره علم به‌تنهایی وجود ندارد، بلکه عبارت است از: موضوع، محمول و نسبت. محمول فرع موضوع و عرض و وصف اوست؛ نسبت نیز تابع طرفین است؛ پس حرف اساسی مسائل علم را همان موضوع علم می‌زنند (همان، ص ۱۳).

۳-۲-۲. نقد تعریف به موضوع

تمایز علم اقتصاد اسلامی از علم اقتصاد متعارف به موضوع شاید منطقی‌ترین تمایز باشد. ازاین‌رو بسیاری از پژوهشگران اقتصاد اسلامی، براین‌اساس علم اقتصاد اسلامی را تعریف کرده‌اند. از میان این تعریف‌ها، دو تعریف از منطق بهتری برخوردار هستند. تعریف اول موضوع علم اقتصاد اسلامی را رفتار انسان مسلمان یا مؤمن در انتخاب و تصمیم‌گیری بهینه منابع کمیاب در جامعه اسلامی می‌داند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

البته بیشتر این پژوهشگران مسلمان تعریف‌های ناقص و غیر دقیقی ارائه کرده‌اند[1] و فقط شهید صدر (ره) و به تبع آن، سیدکاظم صدر و آقانظری[2] هستند که تعریف متعارف علم اقتصاد را با فرض تشکیل نظام اسلامی به‌مثابه تعریف علم اقتصاد اسلامی ارائه کرده‌اند. ایشان بین مذهب و علم تفکیک روشنی قائل شده و علم اقتصاد اثباتی را (با فقط دو وظیفه توصیفی و تبیینی) چنین تعریف می‌کند: «فعلم الاقتصاد هو: العلم الذی یتناول ۱- تفسیر الحیاه الاقتصادیه و أحداثها و ظواهرها، و ۲- ربط تلک الأحداث و الظواهر بالأسباب و العوامل العامه آلتی تتحکم فی‌ها» (صدر، ۱۴۱۷ ق، ص ۴۴ و ۳۵۹). ایشان یگانه راه انتساب علم اقتصاد به اسلام را در این می‌داند که موضوع بررسی‌های اقتصادی، رفتارها و پدیده‌ها در جامعه اسلامی باشد و جامعه اسلامی نیز به‌نظر وی جامعه‌ای است که در آن مذهب اقتصادی اسلام با تمام شرایط و اجزایش تحقق یافته است (میرمعزی، ۱۳۸۶ ب، ص ۱۳).

نقدهای گوناگونی بر این تعریف وارد شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- به نظر می‌رسد ایشان روش علم اقتصاد متعارف در توصیف، تبیین و پیش‌بینی را بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای پذیرفته‌اند. این درحالی است که روش علم اقتصاد متعارف بر اصالت ماده، اصالت فرد، اصالت تجربه و نگاه نومینالیستی به مفهوم‌های کلی مبتنی است (همان). ازسوی‌دیگر این روش با نقدهای جدی روش‌شناسان و اقتصاددانان هترودکس مواجه است. ازاین‌رو برخی اندیشمندان معتقدند که: «شهید صدر به واسطه امکانات کمی که داشت، بسیاری از نقدهای پساپوزیتیوست‌ها به استقرا را ندید و نخواند که بتواند آن را رد کند یا بپذیرد. این ضعف متدولوژیک نه‌تنها در وی، بلکه در جریان شکل‌گرفته از او در اقتصاد اسلامی قابل رؤیت است» (قائمی‌نیا، ۱۳۹۱).

۲- در تعریف ایشان، نقش جهان‌بینی‌های متفاوت در علم درنظر گرفته نشده است. مبانی جهان‌شناختی و معرفت‌شناختی علم اقتصاد متعارف با مبانی اسلامی متفاوت است و این تفاوت باعث اختلاف در روش توصیف، تبیین و پیش‌بینی می‌شود. بنابراین، حتی اگر جامعه اسلامی نباشد و یک جامعه سرمایه‌داری باشد و بخواهیم با مبانی معرفت‌شناختی و جهان‌شناختی اسلامی به توصیف، تبیین و پیش‌بینی بپردازیم نتیجه‌ها به مقدار فراوانی متفاوت می‌شود (میرمعزی، ۱۳۸۶ ب، ص ۱۴).

۳- اگر شهید صدر (ره) امتداد مباحث سنت‌های الهی خودش را در اقتصاد اسلامی و مسئله پیشرفت پی می‌گرفت، قطعاً اصلاحاتی در تعریف اعمال می‌کرد.

تعریف دوم موضوع علم اقتصاد اسلامی را رفتار انسان در انتخاب و تصمیم‌گیری بهینه منابع کمیاب در جامعه می‌داند. البته بیشتر این پژوهشگران مسلمان تعریف‌های ناقص و غیردقیقی ارائه

۱ - برای مثال محمد عارف (۱۹۸۵) می‌نویسد: «اقتصاد اسلامی مطالعه رفتار مسلمان است که منابعی را که امانت هستند برای دستیابی به فلاح سازمان‌دهی می‌کند» (فرقانی، ۲۰۱۸، ص ۸۳).

۲ - مکتب اقتصادی چون بایدها و نبایدهای اقتصاد اسلامی را در جهت شکل‌دهی هم‌زمان عدالت و توسعه اقتصادی مطرح می‌کند، بر رفتارهای اقتصادی در سطح خرد و پدیده‌های اقتصادی در سطح کلان تأثیرگذار است و علم اقتصاد اسلامی این رفتارها و پدیده‌های اقتصادی را در قالب نظریه‌های علمی تحلیل می‌کند (آقانظری، ۱۴۰۰، ص ۵۸).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

کرده‌اند.[1] در این تعریف‌های مشابه، چودری (۱۹۸۶)، خورشید احمد (۱۹۹۲) و قحف (۲۰۱۵) معتقدند که محور مطالعات اقتصاد اسلامی همچنان رفتار انسان‌ها به‌طورکلی خواهد بود؛ اما راه‌حل، رویکرد و هنجارها برگرفته از اصول اسلامی است. اقتصاد اسلامی انواع رفتارهای انسانی را در حیات اقتصادی آن‌ها تحلیل می‌کند و لذا بیان صریح انسان اسلامی در تعریف لازم نیست (همان). انس زرقا (۱۹۹۲) نیز معتقد است: وظیفه علم اقتصاد اسلامی شامل تفسیر واقع اقتصادی در جامعه اسلامی و غیراسلامی است و بر همین مبنا می‌نویسد: «اقتصاد اسلامی، پدیده‌های اقتصادی را در سراسر جامعه بشری اعم از اسلامی یا غیراسلامی مطالعه می‌کند. این بحث می‌تواند از سوی قرآن و سنت پشتیبانی شود». استدلال وی چنین است: «قرآن و سنت توجه ما را به رابطه‌ها و متغیرهایی جلب می‌کند که به رفتار مسلمانان محدود نشده و با رفتار تمام انسان‌ها ارتباط دارد؛ به‌طور نمونه، تمایل انسان‌ها به مقدار بسیار فراوان ثروت، به‌صورت گرایش عمومی بشر که به مسلمانان منحصر نیست، بیان شده است» (میرمعزی، ۱۳۸۶ ب، ص ۱۷).[2]

نقدهای گوناگونی بر جهان‌شمول بودن موضوع علم اقتصاد اسلامی مطرح شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- این مفهوم از موضوع اقتصاد اسلامی اساساً از تعریف رسمی اقتصاد ارائه شده توسط رابینز (۱۹۴۵) به‌عنوان «مطالعه رفتار انسان به‌عنوان رابطه بین اهداف و وسایل کمیاب که کاربردهای جایگزین دارند» پیروی می‌کند که خود مورد نقد بسیاری از اقتصاددانان اسلامی و غیراسلامی قرار گرفته است (ر.ک: فرقانی، ۲۰۱۸، ص ۸۳).

۲- درست است که قرآن کریم و روایات رفتار مؤمنین، منافقین، مشرکین و کافرین را تبیین می‌کند؛ اما رفتار گروه اول تأیید و رفتار سه گروه دیگر تقبیح شده است (میرمعزی، ۱۳۸۶ ب، ص ۱۶). به‌تعبیر دیگر رفتار و فعل این سه گروه مخالف اراده تشریعی خداوند است و بررسی گزاره‌های مرتبط با این رفتارها نمی‌تواند علم دینی موضوع‌محوری باشد که ملاکش آن است که: «فعل انسان آیت حق اگر باشد، علم دینی خواهد شد؛ اما اگر نباشد غیردینی است» (جوادی آملی، ۱۴۰۱، ص ۱۵۹).

۳- میرمعزی به‌درستی معتقد است که علم اقتصاد اسلامی موضوع‌محور نمی‌تواند جهان‌شمول باشد: «زیرا علم اقتصاد علمی است که به وصف، تبیین و پیش‌بینی رفتارهای اقتصادی می‌پردازد. وصف مقدمه تبیین و پیش‌بینی نتیجه آن است و تبیین رفتارهای انسان با صرف‌نظر از جهان‌بینی و ارزش‌های وی عقلاً ممکن نیست. ... و چون بینش‌ها و ارزش‌ها در جامعه‌های گوناگون متفاوتند،

۱ - برای مثال مسعودالعالم چودری (۱۹۸۶): «اقتصاد اسلامی مجموع مطالعات تاریخی، تجربی و نظری است که خواسته‌های انسان و جامعه را در پرتو یک نظام ارزشی یکپارچه اسلامی تحلیل می‌کند» (فرقانی، ۲۰۱۸، ص ۸۳).

۲ - میرمعزی (۱۳۸۶) به‌طور تفصیلی استدلال‌های شوقی‌دنیا، انس‌زرقا و منذر قحف را در مورد جهان‌شمول‌بودن علم اقتصاد اسلامی تبیین و نقد کرده است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

به‌طور عقلی ممکن نیست به مجموعه قواعد واحدی برای تبیین آن‌ها دست یافت» (میرمعزی، ۱۳۸۶ ب، ص ۲۶). ازاین‌رو قانون عام جهان‌شمولی که بتواند رفتارهای اقتصادی کافران و مؤمنان را تبیین کند نداریم (همان، ص ۳۲).

۳-۲-۳. نقد تعریف به روش

تعریف‌های زیادی براساس روش (با عنوان بررسی مسائل اقتصادی از دیدگاه اسلام) توسط پژوهشگران اقتصاد اسلامی صورت گرفته است. البته این گروه گاهی موضوع را همان رفتار فرد مسلمان در جامعه اسلامی دانسته و گاهی موضوع را مطلق رفتارهای فرد در هر جامعه‌ای می‌دانند (ر.ک. فرقانی، ۲۰۱۸، ص ۸۱). ازآنجاکه جهان‌شمول بودن موضوع ترجیح مقاله پیش‌رو است، به‌دنبال تحقیق در مورد تعریف و نقد این دسته دوم هستیم.

منان (۱۹۸۴)، زعیم (۱۹۸۹)، محمد اسلم حنیف (۱۹۹۷)، غانم (۱۳۷۰)، صدیقی (۱۹۹۲) و اقبال و لوئیس (۱۳۸۸) برخی از پژوهشگران این دسته هستند. تعریف اقبال و لوئیس شاید روشن‌ترین تعریف علم اقتصاد اسلامی به روش باشد: «اقتصاد اسلامی شاخه‌ای از دانش است که هدف آن تحلیل، تفسیر و حل مشکلات اقتصادی با استناد به روش‌شناسی اسلام است» (فرقانی، ۲۰۱۸، ص ۸۱). البته این اقتصاددانان روش‌شناسی جهان‌شمول اسلام را تشریح نکرده‌اند و فقط به ذکر کلیاتی اکتفا کرده‌اند؛ اما میرمعزی (۱۳۸۶) معتقد است که: «علم اقتصاد اسلامی با روشی جهان‌شمول مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی[1] و هستی‌شناختی[2] خود می‌تواند به وصف و تبیین و پیش‌بینی درباره رفتارهای اقتصادی مسلمان‌ها و غیرمسلمان‌ها در جامعه‌های اسلامی و غیراسلامی بپردازد و به این معنا موضوع آن انسان و جامعه انسانی است، اما این به‌معنای داشتن قانون‌های عامی که بتوان به وسیله آن‌ها رفتارهای اقتصادی انسان را با صرف‌نظر از بینش‌ها و ارزش‌های وی تبیین کرد، نیست. علم اقتصاد اسلامی با این روش قادر است جامعه‌های اسلامی و غیراسلامی را مطالعه کند، اما نتایج مطالعه در این دو جامعه با یکدیگر متفاوت خواهد بود» (میرمعزی، ۱۳۸۶ ب، ص ۳۲).

تعریف میرمعزی از علم اقتصاد اسلامی مبتنی بر روش، دینی‌بودن علم را بر اساس یکی از اجزای رکنی علم دینی، یعنی، مبادی (قریبه و بعیده یا پیش‌انگاره‌ها و فراپیش‌انگاره‌ها) ثابت می‌کند؛ اما دو اشکال اساسی دارد:

---

۱ - مبانی معرفت‌شناختی اسلام عبارتند از: ۱- انواع واقعیت (مادی و مجرد)؛ ۲- انواع شناخت (حصولی و حضوری؛ وجود واقعی مفاهیم کلی به‌معنای اتحاد ذهن و خارج؛ مطلق‌بودن ارزش‌ها)؛ ۳- ابزار شناخت (حس، عقل، وحی)؛ ۴- ارزش و معیار شناخت (یقینی‌بودن بدیهیات اولیه و وجدانیات از طریق علم حضوری؛ ارزشیابی قضایای غیربدیهی با معیارهای منطقی) (میرمعزی، ۱۳۸۶ ب، ص ۳۱).

۲ - مبانی هستی‌شناختی اسلام عبارتند از: ۱- خداشناسی ربوبی؛ ۲- جهان‌شناسی (مسبب‌الاسباب بودن خداوند)؛ ۳- انسان‌شناسی (انسان مرکب مادی و مجرد و مختار و خلیفه خداوند)؛ ۴- جامعه‌شناسی (اصالت فرد و جامعه؛ جریان سنت‌های الهی در جامعه) (همان).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

۱- پیوند وثیق و معتبری بین این مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی با واقعیت اقتصادی در آثار پژوهشگران اقتصاد اسلامی، ازجمله میرمعزی مشاهده نمی‌شود. این درحالی است که به‌تعبیر انس زرقا (۱۹۹۲) «وظیفه علم اقتصاد اسلامی شامل تفسیر واقع اقتصادی در جامعه اسلامی و غیراسلامی است» (میرمعزی، ۱۳۸۶ ب، ص ۱۷). این عدم پیوند وثیق و معتبر یکی از اشکالات اساسی منکران علم دینی در مقابل موافقان علم دینی است که باید در جای خود بدان پاسخ مناسب داده شود.[۱]

۲- مطالعات جدید و انتقادی در روش‌شناسی علم اقتصاد نشان می‌دهند که تحقیق در رفتار اقتصادی فردگرایانه نمی‌تواند صدق و کذب گزاره‌های اقتصادی را از ابهام خارج سازد، ازاین‌رو موضوع علم اقتصاد دیگر صرفاً «تخصیص منابع محدود به نیازهای نامحدود» نیست، بلکه هماهنگی کنش‌گران اقتصادی در چهارچوب ساختارهای نهادی و شناسایی شرایط امکان بازار و مکانیزم قیمت، وجه اصلی تعریف علم اقتصاد خواهد بود. این بدان معناست که موضوع علم اقتصاد امری ساختاری مبتنی بر نهادها، سازوکارها و داده‌های آماری واقعی آن جامعه است و روش‌شناسی مطلوب کل‌نگر باید از دل این هستی‌شناسی بیرون آید (ر.ک. معرفی محمدی، ۱۴۰۴).

۴. تعریف منتخب علم اقتصاد اسلامی

پس از نقد و بررسی تعریف‌های گوناگون علم اقتصاد اسلامی با محوریت اهداف، موضوع و روش، انتظار طبیعی آن است که می‌بایست تعریفی ارائه شود که کمترین اشکال را داشته و از ویژگی‌های ذیل برخوردار باشد:

۱- در چهارچوب حکمت خداوند سبحان از جعل تکوینی نظام‌های اجتماعی اقتصادی باشد؛

۲- ازاین‌رو بهتر است در محورهای اهداف، موضوع و روش جهان‌شمول باشد؛

۳- تبیین بدون نقصی از دینی‌بودن یکی از محورهای سه‌گانه فوق ارائه کند.

به‌نظر می‌رسد که تعریف ذیل می‌تواند از ویژگی‌های سه‌گانه فوق برخوردار باشد: «علم اقتصاد اسلامی مطالعه کیفی و کمی رفتار نظام اقتصادی با تمامی اجزائش در زمان صفر و تحلیل ارکان فرایند تغییراتش تا زمان یک، در سه سطح کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، بر اساس سنت الهی امداد است تا هدف نهایی این نظام که تقلیل کمبود کالاها و خدمات نهایی باشد حاصل شود».

اجزای این تعریف عبارت‌اند از: ۱- موضوع جهان‌شمول: رفتار نظام اقتصادی؛ ۲- مبنای واقعی قواعد قوام‌بخش: سنت‌های الهی امداد و «صبر و ارتباط»؛ ۳- روش جهان‌شمول علمی: مطالعه کیفی و کمی؛ ۴- هدف نهایی جهان‌شمول: تقلیل کمبود کالاها و خدمات نهایی.

۱ - علی پایا می‌نویسد: «در مورد رابطه متافیزیک و علم می‌توان این پرسش را مطرح کرد که: آیا چهارچوب متافیزیکی پیشنهاد شده در اسلام به‌جز برخی آموزه‌های بسیار کلی، نکات دیگری را نیز به‌صورت جزیی مطرح می‌سازد؟ اگر پاسخ مثبت باشد که در آن صورت باید گفت آن قبیل آموزه‌ها علی‌التعریف دیگر نمی‌توانند به وصف آموزه‌های متافیزیکی موصوف شوند و اگر پاسخ منفی است، می‌توان پرسید آن آموزه‌های کلی واجد کدام جنبه‌ها هستند که تاکنون در یکی از مدل‌های متافیزیکی پیشنهادی به آن پرداخته نشده» (پایا، ۱۳۸۶، ص ۶۸).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

۴-۱. موضوع جهان‌شمول: رفتار نظام اقتصادی

برخلاف اقتصاد متعارف که واحد تحلیل رفتار فرد و برخلاف اقتصاد نهادگرایی که واحد تحلیل رفتار نهادی است، به‌نظر می‌رسد که مطابق دلایل عقلی و نقلی، می‌توان گفت که واحد تحلیل رفتار سیستمی است. ازاین‌رو موضوع جهان‌شمول علم اقتصاد، عبارت است از: «رفتار نظام اقتصادی با تمامی اجزائش در زمان صفر و تحلیل ارکان فرایند تغییراتش تا زمان یک». زمان صفر هنگامی است که می‌خواهیم رفتار نظام اقتصادی را از منظر تغییر تعادلی (کوتاه‌مدت)، تغییر ساختاری (میان‌مدت) و تغییر تحولی (بلندمدت) مطالعه کنیم. ازاین‌رو زمان یک هم می‌تواند برای مثال شش‌ماهه یا یک‌ساله باشد؛ می‌تواند پنج‌ساله یا هفت‌ساله باشد؛ بالاخره می‌تواند بیست‌ساله یا پنجاه‌ساله باشد. بدین‌ترتیب سه سطح از علم اقتصاد داریم: الف) اقتصاد خرد و کلان؛ ب) اقتصاد پیشرفت؛ ج) اقتصاد چشم‌انداز یا آینده‌نگر.

اما دلیل نقلی اینکه چرا واحد تحلیل رفتار سیستمی باید باشد، آیات متعددی است که درباره جعل تکوینی نظام‌های اجتماعی اقتصادی خانواده و جوامع در قرآن کریم آمده است؛ ازاین‌رو اصولاً رفتارها و کنش‌های افراد در بستر و درون این نظام‌ها معنادار شده و البته این به‌معنای جبر نیست و همواره امکان اصلاح، انقلاب و لااقل هجرت از این نظام‌ها امکان‌پذیر است. به‌هرتقدیر این آیات نشان می‌دهند که: اولاً خانواده از طریق «قانون زوجیت»[۱] و «قانون مدبرانه ازدواج»[۲] با پیوند مودت و محبت،[۳] به‌مثابه یک نظام «جعل تکوینی» شده است؛ ثانیاً گسترش یافته است؛[۴] ثالثاً جوامع کوچک قبیله‌ای جعل تکوینی دوم شد؛[۵] رابعاً حکمت این جعل تکوینی، تدوین سنت‌های الهی (هدایت، آزمایش، امداد عام، امداد غیبی برای مؤمنان و سنت‌های دیگر اجتماعی) بود؛ خامساً پیشرفت تمدنی با سنت «امداد عام»[۶] برای همه جوامع اعم از سکولار و دینی می‌تواند رخ دهد؛[۷] سادساً پایداری این پیشرفت براساس سنت پیرو «صبر و ارتباط»[۸] اتفاق می‌افتد.

---

۱ - سُبْحَانَ الَّذِی خَلَقَ الْأَزْوَاجَ کلّهَا مِمّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمّا لَا یعْلَمُونَ (یس: ۳۶)؛ وَمِنْ کلِّ شَیءٍ خَلَقْنَا زَوْجَینِ لَعَلّکمْ تَذَکرُونَ (ذاریات: ۵۱).

۲ - وَاللّهُ خَلَقَکمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمّ جَعَلَکمْ أَزْوَاجًا (فاطر: ۱۱)؛ خَلَقَکمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا (زمر: ۶)؛ وَ اللّهُ جَعَلَ لَکمْ مِنْ أَنْفُسِکمْ أَزْوَاجاً وَ جَعَلَ لَکمْ مِنْ أَزْواجِکمْ بَنِینَ وَ حَفَدَةً (نحل: ۷۲).

۳ - وَمِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکمْ مِنْ أَنْفُسِکمْ أَزْوَاجًا لِتَسْکنُوا إِلَیهَا وَجَعَلَ بَینَکمْ مَوَدّةً وَرَحْمَةً إِنّ فِی ذلِک لآیاتٍ لِقَوْمٍ یتَفَکرُونَ (الروم: ۲۱).

۴ - یا أَیهَا النّاسُ اتّقُوا رَبّکمُ الّذِی خَلَقَکمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثّ مِنْهُمَا رِجَالًا کثِیرًا وَنِسَاءً (نساء: ۴).

۵ - یا أَیّهَا النّاسُ إِنّا خَلَقناکُم مِن ذَکرٍ و اُنثی و جَعَلْناکُم شُعوباً و قَبائِلَ لِتَعارَفوا إِنَّ أَکرَمَکُم عِندَ اللهِ أَتقاکُم إِنَّ اللهَ عَلیمٌ خَبیر (حجرات: ۱۳).

۶ - کُلًّا نُمِدُّ هؤُلاءِ وَهؤُلاءِ مِن عَطاءِ رَبِّکَ وَما کانَ عَطاءُ رَبِّکَ مَحظورًا (اسراء: ۱۷).

۷ - با توجه به امداد خداوند متعال به «تلاش‌گران» عرصه‌های دنیوی و اخروی، سنت «امداد عام» و سنت پیرو «صبر و ارتباط»، اساسی‌ترین سنت‌های پیشرفت بشر در مقابل تنبلی و عقب‌ماندگی است. مطابق دیدگاه شهید صدر (ره) جوامع بشری به سه دسته تقسیم می‌شوند. ۱- جوامع تنبل و گذشته‌نگر با ایده‌آل‌های تکراری و ملالت‌بار (ر.ک. صدر (ره)، ۱۳۸۱، ص ۱۶۰)؛ ۲- جوامع پیشرفته باطل‌مدار با ایده‌آل محدود (همان، ص ۱۷۱)؛ ۳- جوامع پیشرفته حق‌مدار با ایده‌آل مقدس و برتر (همان، ص ۲۰۰).

۸ - یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکمْ تُفْلِحُونَ (آل عمران: ۲۰۰).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

اما دلیل عقلی اینکه چرا واحد تحلیل رفتار سیستمی باید باشد، تأکید فلسفه نوصدرایی و بسیاری از فلسفه‌های متعارف فردگرایی معتدل و کل‌گرایی معتدل (مانند رئالیسم انتقادی و نهادگرایان قدیم و جدید) بر توجه هم‌زمان به فرد و جامعه از یک‌سو و تحلیل صحیحی که از «مدنی بالطبع بودن» انسان از منظر علامه طباطبایی (ره) مطرح شده ازسوی‌دیگر است (ر.ک. پورحسن، ۱۳۹۳، ص ۵۲-۵۹). جمع‌بندی این دیدگاه‌ها برای بحث ما در این نظر فیلسوف رئالیست انتقادی (روی باسکار)[1] تجلی می‌یابد: «جامعه و ساختارها پیش از انسان‌ها وجود دارند؛ مانند ساختار زبان که پیش از تولد ما وجود داشته است» (محدث و مریجی، ۱۳۹۲، ص ۳۴). ازاین‌رو می‌توان گفت که واحد تحلیل علم اقتصاد اسلامی، موضوع جهان‌شمول «رفتار نظام اقتصادی» است. توصیف، تبیین و پیش‌بینی «رفتار خرده‌نظام اقتصادی» خانوار و جامعه، علم اقتصاد خانوار و علم اقتصاد سه‌سطحی را در تمامی زمان‌ها و دوره‌ها تأسیس می‌کند. حال پرسش اساسی آن است که منظور از «نظام اقتصادی» چیست و آیا این سازه اقتصادی رفتار هم دارد؟

۴-۱-۱. ماهیت نظام اقتصادی

درک نظام اقتصادی نیازمند بیان مقدماتی است که در کتب و مقالات متعددی ذکر شده است و عصاره عمده این پژوهش‌ها، در این تعریف نهفته است: «نظام اقتصادی مجموعه پیچیده به‌هم‌وابسته‌ای از سازوکارهای تغییر و ساختارهایی از منابع کمیاب، نهادها و شرکت‌کنندگان است که رفتار انسان‌ها را در یک جامعه خاص برای تولید و توزیع کالاها و خدمات، به منظور مصرف (رفاه عمومی) هماهنگ می‌کند» (جهانیان، ۱۳۸۲، ص ۸۲).

از نظر هلسوفسکی، هر نظام اقتصادی به‌مثابه یک واقعیت، دارای اجزای ساختاری و کارکردی چهارگانه ذیل است:[2] ۱- منابع؛ ۲- شرکت‌کنندگان؛ ۳- ارکان فرایند تغییرات؛ ۴- نهادها (Holesovsky, 1977, p.17).[3] نظام اقتصادی به‌مثابه خرده‌نظام جامعه واقعیت‌های عینی (منابع و شرکت‌کنندگان) و اعتباری (نهادها و ارکان فرایند تغییرات) خاص خودش را داشته و دارد و در تعریف آن هرچند دیدگاه‌های متنوعی وجود دارد؛ اما به‌نظر می‌رسد تمامی نظام‌های اقتصادی جوامع بشری در

1 - Roy Bhaskar.

۲ - به‌نظر می‌رسد با توجه به واقع‌گرایی نظام‌محور، بهتر است دو سطح سوم و چهارم ویلیامسون را که می‌توان به نظام تدبیر عمومی و خصوصی تعبیر کرد از نهادها جدا کرده و به سازوکارها یا ارکان فرایند تغییرات ملحق کرد؛ زیرا این سطوح چیزی جز سیاست‌ها، سازمان‌ها و قواعد تنظیمی سرل نیستند. سیاست‌ها، سازمان‌ها و قواعد تنظیمی از واقعیت‌های اعتباری مورد توافق جامعه جهت فرایند حرکت و تغییر جامعه در بستر ارزش‌ها، هنجارها و نهادها به‌سوی اهداف موردنظر هستند.

۳ - مسئله «سازوکارهای تغییر» در این تعریف، عنصر پویا و دینامیک نظام اقتصادی است که هولسفسکی از آن به عنوان یکی از عناصر اصلی چهارگانه یک نظام اقتصادی یاد می‌کند. این عنصر اصلی همان ارکان فرایند «تغییرات» است که خود چهار رکن دارد: ۱- اطلاعات، ۲- تصمیمات، ۳- اجرا، ۴- دستاوردها. این ارکان، حالت فعلی نظام اقتصادی را به حالت مطلوب تبدیل می‌کنند (Holesovsky, 1977, p.17).

پیشرفت نسبتاً پایدار جوامع در طول تاریخ تک‌بعدی نبوده و همراه با پیشرفت ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی بوده است. پیشرفت ابعاد اقتصادی موجب ایجاد و تحول نظام اقتصادی می‌شده که وظیفه تأمین کالاها و خدمات جوامع را برعهده دارد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

طول تاریخ، از اقتصادهای ابتدایی تا اقتصادهای کشاورزی و تجاری صرف تا اقتصادهای صنعتی، فراصنعتی، شبکه‌ای و ... این چهار جزء را که هلسوفسکی آن‌ها را ذکر کرده است، داشته یا دارند.

از دیدگاه ایشان، جزء اول هر نظام اقتصادی واقعی، منابع [سرمایه] است که خود به پنج قسم تقسیم می‌شود: ۱- منابع طبیعی؛[۱] ۲- منابع مصنوعی یا ابزاری؛[۲] ۳- منابع انسانی؛[۳] ۴- منابع فناوری؛[۴] ۵- منابع کارآفرینی[۵] (Ibid).

شرکت‌کنندگان جزء دوم نظام اقتصادی هستند که عبارت‌اند از: ۱- بنگاه‌ها؛[۶] ۲- خانواده‌ها؛[۷] ۳- دولت[۸] (Ibid).[۹]

جزء چهارم هر نظام اقتصادی واقعی، هنجارهای تثبیت‌شده اقتصادی یا نهادهای اقتصادی هستند. این نهادها از دیدگاه هلسوفسکی دو قسم‌اند: ۱- الگوهای تثبیت‌شده خاصی از روابط که شرکت‌کنندگان را به هم پیوند می‌دهند؛ ۲- انواع خاص و الگوهای ویژه‌ای از عناصر فرآیند در حال کار و اجرا هستند (Ibid, p.23). ازاین‌رو مطابق دیدگاه هلسوفسکی، نهادها که همان الگوهای ویژه تثبیت‌شده رفتاری پیونددهنده بین شرکت‌کنندگان خرده‌نظام اقتصادی و الگوهای خاص عناصر فرایند از قبل موجود در حال فعالیت هستند، برخلاف منابع و شرکت‌کنندگان که واقعیت‌های عینی هستند، انتزاعات تحلیلی (Ibid, p.25) یا به‌تعبیر برخی از فیلسوفان علم، واقعیت‌های اعتباری هستند. او معتقد است که الگوهای رفتاری هنگامی که حداقل برای برخی از شرکت‌کنندگان سودمند باشد، از طریق تکرار، تثبیت یا نهادینه می‌شوند.[۱۰] تقویت این الگوها از طریق فشارها و تشویق‌های اجتماعی و

---

۱ - بخش‌هایی از طبیعت که مردم آن‌ها را مناسب اهداف خود یافته‌اند. این‌ها منابع طبیعی خام هستند - زمین، در اصطلاح قدیمی، اگرچه شامل آب، هوا، جاذبه زمین و هم‌چنین خواص فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی چیزهای معدنی و آلی می‌شود (Holesovsky, 1977, p.17).

۲ - ابزارها به‌معنای عام؛ نه‌فقط ابزارهای کشاورزی و صنعتی بلکه هم‌چنین شامل ساختمان‌ها، وسایل حمل‌ونقل و ارتباطات، کامپیوترها، کتاب‌ها، ثبت اطلاعات و مانند آن هم می‌شود. موجودی پول و دیگر دارایی‌های با کاربرد اجتماعی هم در این قسمت قرار می‌گیرند (Ibid).

۳ - نیروی کار یا سرمایه انسانی: مخزن خدمات جسمی و روانی، گنجینه‌ای از ظرفیت کار، مهارت‌ها و دانش انباشته متصل به انسان (Ibid).

٤ - فنّاوری هرچند بخشی از دارایی‌های مولد انسانی و مصنوعی است که قبلاً بدان اشاره شد [منابع ابزاری و انسانی]؛ اما بهتر است به‌مثابه یک منبع جداگانه ذکر شود. فنّاوری از دو چیز تشکیل شده است: ۱- ویژگی‌های کیفی کالاهای مولد؛ ۲- موجودی دانش فنّی. «تابع تولید» که در تحلیل اقتصادی استفاده می‌شود، بیانی از فناوری ذخیره شده در حوزه دانش است (Ibid).

۵ - کارآفرینی که بدین معناست: (فعالیت سازمان‌دهی خلاقانه‌ای که جرقه کار را زده و منابع را با فعالیت‌های واقعی ترکیب و ادغام می‌کند)، صرفاً یک مهارت خاص است که معمولاً (اما نه لزوماً) در جرگه سرمایه انسانی قرار می‌گیرد؛ اما اگر به عنوان «کارآفرین» مشخص شود، معمولاً قسمی از منابع در برابر سایر منابع در نظر گرفته شده و به عنوان «عوامل تولید» یا «درونداد اقتصادی» تعیین می‌شود (Ibid).

٦ - تبدیل‌کنندگان دروندادها (inputs) به بروندادها (outputs) یا محصولات (Ibid).

۷ - تبدیل‌کنندگان محصولات به رضایت خاطر نهایی یعنی مصرف، به‌اضافه عرضه‌کنندگان منابع انسانی (Ibid).

۸ - تبدیل‌کنندگان دروندادها (inputs) به بروندادها (outputs) یا محصولاتی که ویژگی کالاهای عمومی یا جمعی دارند (Ibid).

۹ - هلسوفسکی مبحث مفصلی در مورد «اهداف و ترجیحات» شرکت‌کنندگان، «سلسله‌مراتب بین شرکت‌کنندگان» و متعاقب سلسله‌مراتب، بحث «تمرکزگرایی و تمرکززدایی» مطرح می‌کند که خواندنی است (Ibid, p.18-22).

۱۰ - بازار به این معنا یک نهاد اقتصادی است: الگوهای تثبیت شده خرید یا فروش. برده داری یک نهاد است: رفتار انسان‌ها به گونه‌ای که یک طبقه به عنوان دارایی طبقه دیگر تلقی می‌شود. مالکیت خصوصی نهادی است که دسترسی به استفاده از اشیاء خاص را تثبیت می‌کند و آن را به افراد مشخص محدود می‌کند و بقیه را مستثنی می‌کند. نمونه‌هایی از نهادهای دیگر کار دستمزدی است. اعطای وام و استقراض، هدیه، مالیات و خیریه. الگوهای مالکیت و نیز اشکال مختلف کسب اطلاعات و پاسخ به آن در تخصیص منابع، از این نوع نهادها هستند (Ibid, p.25).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

از سوی طبیعی جلوه‌دادن این نهادها توسط نظام‌های اعتقادی صورت می‌پذیرد؛ اما تقویت نهایی این نهادها از طریق الزامات قانونی وجوبی و تحریمی محقق می‌شود. برای مثال ممنوعیت کارآفرینی در نظام‌های کمونیستی. در مقابل، تضعیف و بی‌ثبات‌سازی نهادها از طریق پدیده‌های متضادی رخ می‌دهد که معمولاً توسط شرکت‌کنندگان ناراضی آغاز می‌شود (Ibid, p.25).

از دیدگاه هلسوفسکی، جزء سوم هر نظام اقتصادی واقعی، ارکان فرایند «تغییرات» است که خود چهار رکن دارد: ۱-اطلاعات، ۲- تصمیمات، ۳- اجرا، ۴- دستاوردها.[۱] این ارکان، حالت فعلی نظام اقتصادی را به حالت مطلوب تبدیل می‌کند (Ibid, p. 23).[۲] تصمیم‌گیرندگان نظام اقتصادی در مرحله اول و قبل از هر چیز نیازمند اطلاعات متنوعی هستند، بنابراین، ابتدا می‌بایست برای فرایند گردآوری اطلاعات (کشف واقعیت) منابعی را به این امر تخصیص دهند. اطلاعات لازم برای تصمیم گیران اقتصادی عبارت‌اند از: ۱- منابع قابل دسترسی، ۲- تکنولوژی قابل دسترسی، ۳- امکانات و احتمالات آینده محصولات، ۴- ترجیحات و اهداف شرکت‌کنندگان مختلف، ۵- انگیزه‌های سازمان‌دهندگان فرایند تولید، ۶- وضعیت عمومی جهان. همان‌طور که مشاهده می‌شود هر نظام اقتصادی می‌تواند با استفاده از ارکان فرایند تغییراتش، از یک حالت داده شده از سیستم [فرض ثبات سائر شرائط (ثبات منابع، شرکت‌کنندگان، نهادها و سازمان‌ها)] به حالت دیگر تبدیل شود؛ طرفداران تحلیل سیستم‌ها این فرایند تغییرات را «کارکرد نظام اقتصادی» می‌نامند (Ibid, p.22).

اقتصاددان خوب کسی است که ضمن شناخت «منابع، شرکت‌کنندگان، نهادها، سازمان‌ها و ارکان فرایند تغییرات» از یک‌سو و شناخت خرده‌نظام‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و دیگر خرده‌نظام‌های نظام اجتماعی فرهنگی (Ibid, p.28)، بتواند آن‌چنان متغیرهای مستقلی را برای متغیر تابع شناسایی کند که جمله اخلال «پسماند» و متغیرهای پنهان مستقل در مدل اقتصادسنجی از حداقل مقدار برخوردار شود. متأسفانه روش‌شناسی علم اقتصاد به‌حدی دچار بحران شده است که نگرانی از قلمرو دانشگاهی به قلمرو عمومی سرایت کرده به‌نحوی که حتی ملکه انگلیس علناً پرسید که چرا اقتصاددانان در بحران مالی ۲۰۰۸ میلادی آن‌قدر اشتباه کرده‌اند (Stilwell, 2019).

۴-۱-۲. رفتار نظام اقتصادی

هر نظام اقتصادی به‌مثابه یک واقعیت، یک «سازه تابع»[۳] چهارجزئی از واقعیت‌های عینی (منابع و

۱ - دستاوردها علاوه بر رشد اقتصادی می‌توانند شاخص‌های کلان اقتصادی ذیل باشند: توزیع درآمد، تغییرات قیمت، انباشت موجودی انبار، درجه بیکاری، گسست محیطی، اختراعات و اکتشافات جدید، و در نهایت، سطح رضامندی‌ها (Ibid, p. 22).

۲ - از میان این چهار رکن فرایند تغییرات، دو رکن اول و چهارم از واقعیت‌های عینی مشهود و نامشهود؛ اما رکن دوم و سوم، به‌ویژه رکن دوم، یعنی، رکن تصمیم از واقعیت‌های اعتباری سازوکاری هستند. در واقع، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات از مفاهیم اعتباریه مرتبط با سازمان ریاست و مرئوسیت (فرمانروایی و فرمانبرداری) هستند که از اعتباریات بعد الاجتماعی بوده و نیروی فعاله‌ای به‌جز اصل استخدام که از اعتباریات قبل الاجتماعی بوده ندارند (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۴۵۰).

۳ - در مقابل «سازه مستقل». هر نظام اقتصادی یک سازه تابع است نه یک متغیر تابع. در صورتی یک مفهوم متغیر است که ابعاد نداشته باشد. درصورتی‌که یک مفهوم ابعاد داشته باشد به آن سازه گویند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

شرکت‌کنندگان) و واقعیت‌های اعتباری (نهادها و ارکان فرایند تغییرات) است که با تغییر هر یک از اجزائش می‌تواند تغییر رفتاری از خود نشان دهد و دچار تغییر تعادلی، ساختاری و تحولی گردد. برای مثال اگر منابع نفتی یک کشور (به‌مثابه یک متغیر مستقل) به‌هر علتی ازجمله تحریم، دچار افت شدید بهره‌وری شود، رفتار این نظام (به‌مثابه یک سازه تابع) بسته به مقاوم‌بودن یا مقاوم‌نبودن ممکن است مسیرهای گوناگونی را طی کند.

در علم اقتصاد توسعه این بحث همواره مطرح است که: علت رشد اقتصادی نظام‌های اقتصادی، رشد منابع (فیزیکی و انسانی) و رشد بهره‌وری (مدیریت منابع فیزیکی و انسانی) است. یعنی علت ثروت‌سازی رشد واقعیت‌های عینی (منابع و شرکت‌کنندگان) است؛ اما اینکه چرا برخی نظام‌های اقتصادی بهتر رشد می‌کنند، علتش خوب‌بودن و عقلانیت واقعیت‌های اعتباری تثبیت‌شده (نهادهای خوب و سیاست‌ها و ارکان فرایند تغییرات عقلانی) است. ازاین‌رو با تغییر هر یک از این اجزاء رفتار نظام اقتصادی تغییر کرده و ممکن است شاخص‌های پیشرفت اقتصادی نظام بهبود یافته و در رتبه‌بندی پیشرفت و توسعه اقتصادی از دیگر نظام‌ها وضعیت بهتری پیدا کند.

۴-۲. سنت‌های الهی حاکم بر «رفتار نظام‌های اقتصادی»

خداوند سبحان نظام‌های اجتماعی اقتصادی را به‌طور تکوینی جعل کرده و دو سنت «امداد عام» و سنت پیرو آن، یعنی سنت «صبر و ارتباط» را برای پیشرفت پایدار نسبی تدوین کرده است. البته خداوند سبحان از همه انسان‌ها ایمان و دین‌داری می‌خواهد؛ اما واقعیت انسان‌ها چیز دیگری است «يعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ ينْكرُونَهَا وَأَكثَرُهُمُ الْكافِرُونَ» (نحل: ۸۳).[۱] ازاین‌رو در طول تاریخ، حق‌پوشانی که در مسیر پیشرفت از طریق سنت «امداد عام»، سنت «صبر و ارتباط» و «سلطان علم» بوده‌اند، نظام اجتماعی اقتصادی خودشان را بر خلاف «اراده تشریعی» خداوند ایجاد کرده‌اند و در مقابل، خداوند از مؤمنین می‌خواهد همراه با سنت الهی عام «صبر و ارتباط» از سنت الهی «امداد خاص» ناشی از «تقوا» بهره‌برداری کرده و با ایجاد جهان اجتماعی اقتصادی اعتباری تثبیت‌شده خود، به پیشرفت، سعادت و فلاح برسند. قرآن کریم می‌فرماید: «يا أَيهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰). این آیه شریفه کلیدی‌ترین آیه مرتبط با بنیادگذاری علوم اجتماعی و اقتصادی است و مسیرهای انسان‌سازی، نهادسازی، سازمان‌سازی و احسن‌سازی انگیزه‌ها را نشان می‌دهد. سه مسیر اول را سنت الهی «صبر و ارتباط» به سرانجام می‌رساند و مسیر احسن‌سازی

۱ - ترجمه: [(آن‌ها) نعمت خداوند را می‌شناسند، سپس آن را انکار می‌کنند وبیشتر آنان کافر و ناسپاسند]. قرآن درباره انکار عالمانه و لجاجت با حق، بارها سخن گفته است؛ گاهی می‌فرماید: با آنکه از درون، یقین دارند، انکار می‌کنند، «وَ جَحَدُوا بِها وَ اسْتَيقَنَتْها أَنْفُسُهُمْ» (نمل: ۱۴). گاهی می‌فرماید: پیامبر را مثل فرزندان خود می‌شناختند، ولی انکارش می‌کردند، «يعْرِفُونَهُ كما يعْرِفُونَ أَبْناءَهُمْ» (بقره: ۱۴۶). گاهی می‌فرماید: حقّ را می‌دانند، ولی آگاهانه کتمان می‌کنند، «لَيكتُمُونَ الْحَقّ وَ هُمْ يعْلَمُونَ» (بقره: ۱۴۶). و گاهی می‌فرماید: مطلب را درک می‌کنند ولی روی آن را می‌پوشانند، «فَلَمّا جاءَهُمْ ما عَرَفُوا كفَرُوا بِهِ» (بقره: ۸۹).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

انگیزه‌ها را سنت الهی «امداد خاص». حال با استفاده از تفسیرهای المیزان علامه طباطبایی (ره) و تسنیم آیت‌الله جوادی آملی به تبیین این سنت‌ها می‌پردازیم.

۴-۲-۱. چگونگی استنباط سنت الهی «صبر و ارتباط»

آیه ۲۰۰ سوره آل‌عمران به‌صورت جمله شرطی (اگر- آنگاه) بیان می‌دارد که ای گروه مؤمنان اگر صبر فردی، صبر جمعی، ارتباطات ولایی و تقوا داشته باشید حتماً [در چهارچوب یک خانواده، یک بنگاه، یک سازمان دولتی، ... و یک ملت، یا یک امت][1] سعادتمند می‌شوید». مضمون شرطی تمدنی این آیه چنین است: «ای مؤمنان؛ اگر با شیطان درون[2] و با شیطان بیرون[3] مبارزه کنید و سازمان‌های اجتماعی ولایت‌مدار خود را ایجاد کنید و همه این امور را با تقوا و حسن فاعلی انجام دهید قهراً پیشرفت سعادتمندانه نصیبتان خواهد شد».

سنت الهی «صبر و ارتباط» که می‌توان آن را در راستای سنت الهی «امداد عام» دانست بر تمامی جوامع حاکم است؛ یعنی بیان می‌کند که بدون صبر فردی و جمعی و ارتباطات اجتماعی، نظام‌های اجتماعی سکولار هم ایجاد و دوام نخواهند داشت (ر.ک. جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶، ص ۷۷۹). جوامع گوناگون از طریق سنت مطلق الهی «آزمایش» به نظام‌سازی می‌پردازند و در ذیل سنت مقید و مشروط الهی «امداد عام» به پیشرفت‌هایی دست می‌یابند؛ اما سعادت در سایه تقوای الهی و ولایت‌پذیری تأمین می‌گردد.

۴-۲-۲. با صبر فردی انسان نمونه بسازید (هنجارسازی)

آیه ۲۰۰ سوره آل‌عمران از اهل ایمان، یعنی معتقدان به ارزش‌های عقیدتی، اخلاقی و فقهی می‌خواهد که صبر کنند. در تعریف صبر خواجه نصیر طوسی (ره) قائل است که صبر نگاهداری نفس از بی‌تابی در قبال چیزهای مکروه و ناخوشایند می‌باشد. خواجه عبدالله انصاری (ره) در منازل‌السائرین می‌فرماید: «صبر، نگاهداری نفس است از شکایت بر جزع مستور» (موسوی الخمینی، ۱۳۶۸، ص ۲۲۱). امام خمینی (قدّس سرّه الشریف) فواید صبر را تربیت نفس و پدیدارشدن ملکه راسخه نوریه دانسته و می‌نویسد: «صبر در معاصی، منشأ تقوای نفس شود و صبر در طاعات، منشأ انس به حق گردد و صبر در بلیّات، منشأ رضا به قضای الهی شود و این‌ها از مقامات بزرگ اهل ایمان، بلکه اهل عرفان است» (همان، ص ۲۲۳).

۱ - ساخت خانواده، گروه، قبیله، ایل، حزب، ملت و امت «سعادتمند» با آدم‌سازی سعادتمندانه که امری مشکل است (آدم‌شدن چه مشکل!) تفاوت داشته و بسیار مشکل‌تر است؛ اما قرآن کریم در آیه ۲۰۰ سوره آل‌عمران برای آن راه‌حل ارائه کرده است. این راه‌حل مبتنی بر سنت عام الهی اجتماعی «امداد» و از مصادیق آن می‌باشد. در این آیه، قرآن کریم از گروه مؤمنان که اطلاقش شامل (خانواده، گروه، قبیله، ایل، حزب، ملت و امت) می‌شود، می‌خواهد تا با صبر، مصابره و مرابطه به‌ترتیب هنجارهای مشترک، نهادسازی و سازمان‌سازی مبتنی بر تقوای الهی را طراحی و اجرایی کنند و نظام‌سازی مؤمنانه خودشان را داشته و جهان اجتماعی خود را در مقابل جهان‌های اجتماعی منافقان، مشرکان و کافران ایجاد کنند.

۲ - صبر فردی= مبارزه با شیطان درون.

۳ - صبر جمعی= مبارزه با شیطان بیرون.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

بدین‌ترتیب صبر ارزش‌های مورد تأکید اسلام را در وجود مـؤمنین به‌صـورت ملکـه راسـخه نوریـه درآورده و امتثال اوامر و ترک نواهی خداوند متعال برای آنان سهل و آسان می‌شـود و انسـان‌های نسـبتاً کاملی در کنار انسان کامل قرار می‌گیرند و با امر به معروف و نهی از منکـر دیـن خداونـد متعـال را در میان مردم جامعه خود هنجار می‌کنند.[1]

در این مرحله، سه رفتار پدیدار می‌شود: ۱- رفتار انسان کامل به مثابه الگوی با انگیزه قرب خالص الهی [«و لربّک فاصبر» (مدّثر، آیه ۷)]؛ ۲- رفتار مؤمنان پیشتازی که برخـی از ارزش‌هـای اعتقـادی، اخلاقی و فقهی در نفس‌شان درونی شده و برخی از رفتارهای دینی برای آن‌ها ملکه راسخه نوریـه شـده است؛ ۳- رفتار مردمانی با فطرت پاک که با دعوت به خیر، امـر بـه معـروف و نهـی از منکـر از سـوی مؤمنـان پیشـتاز، سـبب می‌شـوند کـه برخـی از ارزش‌هـای دینـی در سـطح جامعـه هنجـار شـوند (هنجارسازی).

۴-۲-۳. با صبر جمعی نهادهای نمونه بسازید (نهادسازی و جنگ اراده‌ها)

گسترش صبر فردی و هنجارسازی لازم است؛ اما کافی نیست و می‌بایست هنجارها تثبیت شوند تا اولاً دشمنان اسلام نتوانند هنجارهای خودشان را دوباره بازسازی کنند و ثانیـاً هنجارهـای خیـر و ابتکـاری مؤمنان تبدیل به نهاد و واقعیت مورد قبول جامعه شود. در واقع، «تثبیت هنجارها» به‌معنای نهادسازی، جنگ اراده‌ها و «مصابره» است.

علامه طباطبایی (ره) و استاد جوادی آملی دام عزّه «مصابره» را صبر جمعی و به معنای وصل کردن نیروی مقاومـت افـراد جامعـه در برابـر شـداید می‌داننـد. جمع‌بنـدی نکـات تفسـیری ایـن دو مفسـر عظیم‌الشأن را می‌توان در بیان استاد جوادی آملی دام عـزّه به‌روشـنی مشـاهده کـرد: «مصـابره در برابـر رقیب (مصابره خارجی) به معنای استقامت در قبال پایداری طرف مقابل اسـت [جنـگ اراده‌هـا] و در کار خیر جمعی (مصابره داخلی) به‌معنای روی هم قراردادن صبرها و با هم صبر کردن و کمک کردن به صبر دیگران و ترمیم ضعف‌های فردی با توان جمعی و ترمیم ناشـکیبایی یکـدیگر بـه حلـم و بردبـاری خود است [نهادسازی ناشی از صبر جمعی و مشارکت مؤمنانه در امور عمومی]. صبر گروهـی مرحلـه برتر صبر است که اگر تحقق یابد سبب اسـتواری و قـوت نظـام اجتمـاعی می‌گـردد» (جـوادی آملـی، ۱۳۸۸، ص ۷۷۰).

نتیجه آنکه صبر جمعی مؤمنان دو کار عمده انجـام می‌دهـد: ۱- هنجارهـا یـا نهادهـای دشـمن را تضعیف و هنجارهای اسلامی متناظر را تثبیت می‌کند؛ ۲- نهادهای خیر جمعی ویژه و ابتکاری اسلام را ایجاد می‌کند.

۱ - وَلتَکن مِنکم أُمَّةٌ یدعونَ إِلَی الخَیرِ وَیأمُرونَ بِالمَعروفِ وَینهَونَ عَنِ المُنکرِ وَأُولئِک هُمُ المُفلِحونَ (آل‌عمران: ۱۰۴)؛ «باید از میـان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن‌ها همان رستگاران‌اند».

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

۴-۲-۴. با ارتباطات اجتماعی سازمان‌های نمونه بسازید (سازمان‌سازی)

تکامل و تحول هر جامعه‌ای با ایجاد انواع گروه‌ها و سازمان‌ها برای تأمین انواع نیازها در خوشی‌ها و ناخوشی‌ها مبتنی بر هنجارها و نهادهای ساخته‌شده امکان‌پذیر است. ازاین‌رو قرآن کریم امر به «مرابطه» می‌کند که مبالغه در «ربط»، بستگی و پیوند را رسانده و باز علامه طباطبایی (ره) دقیق‌ترین تعریف را از آن ارائه کرده است. ایشان می‌نویسد: «مرابطه ایجاد جماعت [و گروه]، ارتباط بین نیروها و رفتارهای گروه در تمامی اشکال سختی و آسانی زندگی دینی جماعت است».[۱] اگر لازمه «مصابره» ارتباط بین نیروهای جماعت مؤمنین در تمامی اشکال سختی و ناخوشایندی است، معنای «مرابطه» اولاً به معنای ایجاد جماعت و گروه است و ثانیاً ارتباط بین نیروها و افعال جماعت مؤمنین در تمامی اشکال خوشی و ناخوشی است؛ ازاین‌رو معنایش اعم از معنای «مصابره» است.

اطلاق «مرابطه» در «رابطوا» شامل انواع ارتباطات اجتماعی دینی (خانوادگی، عبادی، دفاعی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) می‌شود و اختصاصی به «مرزداری» و دیگر موارد ذکرشده در روایات ندارد. ایجاد جماعت و گروه، در اصطلاح مدرن، یعنی همان ایجاد سازمان. از منظر امام صادق علیه‌السلام «سازمان علمای پیرو اهل‌بیت علیهم‌السلام» همان «مرابطون» هستند که ارزشی یک‌میلیون برابری نسبت به ارزش «مرابطون و مرزداران سرزمین‌های اسلامی» دارند؛ زیرا عالمان اسلام ناب محمدی از مرزهای عقیدتی، اخلاقی و فقهی دفاع می‌کنند (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۱۷).

بدین‌ترتیب لایه‌ها و سطوحی از مراحل پیشرفت جوامع در آیه ۲۰۰ سوره آل‌عمران و «سنت صبر و ارتباط» قابل کشف است که بیان شد؛ اما قرآن چون کتاب هدایت و راهنمای بشر به‌سوی سعادت دنیا و آخرت است، تفاوت پیشرفت کوثری را با پیشرفت تکاثری در تقوا می‌داند و پس از سه امر «اصبروا و صابروا و رابطوا» امر چهارمش «واتقوا الله» است. از این‌رو اکنون لازم است به سنت الهی «امداد خاص» ناشی از تقوا بپردازیم.

۴-۲-۵. سنت الهی «امداد خاص» ناشی از «تقوا»

قرآن کریم بر «تقوا» به‌صورت «اگر/آنگاه» مشکل‌گشایی و روزی غیرمنتظره،[۲] تشخیص حق از باطل،[۳] نزول برکت و خیر کثیر[۴] و به‌طور خلاصه «امداد خاص یا توفیق الهی» مترتب می‌کند. در همین رابطه، قرآن‌شناس، مفسر بزرگوار و صاحب قاموس قرآن از نقش «تقوا» در آیه ۲۰۰ سوره آل‌عمران می‌نویسد: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ یعنی باید تقوا و توحید مانند روح و خون در همه آن سه امر جریان داشته باشد، و زیر بنای

۱ - قوله تعالی: (وَرابِطُوا) أعم معنی من المصابرة وهی إیجاد الجماعة، الارتباط بین قواهم وأفعالهم فی جمیع شئون حیاتهم الدینیة أعم من حال الشدة وحال الرخاء (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۴، ص ۹۲).

۲ - وَ مَنْ یتَّقِ اللَّهَ یجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً (طلاق: ۲) وَ یرْزُقْهُ مِنْ حَیثُ لا یحْتَسِبُ وَ مَنْ یتَوَکلْ عَلَی اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِکلِّ شَیءٍ قَدْرا (طلاق: ۳).

۳ - یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ یجْعَلْ لَکمْ فُرْقَانًا وَیکفِّرْ عَنْکمْ سَیئَاتِکمْ وَیغْفِرْ لَکمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ (انفال: ۲۹).

٤ - وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَی آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَیهِمْ بَرَکاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَکنْ کذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا کانُوا یکسِبُونَ (اعراف: ۷).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

همه آن‌ها تقوا و (اللَّه) باشد، در احزاب فرعون‌ها و طاغوت‌ها سه اصل (اصبروا و صابروا و رابطوا) پیدا می‌شود ولی (وَاتَّقُوا اللَّهَ) نیست لذا نتیجه بالعکس است، نتیجه به‌کار بستن این اصول، رستگاری هر دو جهان است آری: لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. این آیه در زمان رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله مدتی پیاده شد و چنان نتایجی به‌بار آورد که اکنون نیز از آن بهره‌مندیم» (قرشی، ۱۳۷۷ ش، ج ۲، ص ۲۶۸).

۴-۲-۶. شش لایه تولید علم اقتصاد اسلامی

تحلیل عقلی و تجربی اجزای نظام‌های اقتصادی و تحلیل نقلی سنت‌های الهی حاکم بر «رفتار نظام‌های اجتماعی اقتصادی» هماهنگ با یکدیگر شش لایه برای تولید علم اقتصاد اسلامی و شش جهان اجتماعی اقتصادی را آشکار می‌کنند:

۱- نظام اقتصادی داده‌شده در زمان صفر با اجزای چهارگانه‌اش+ محیط خارجی آن+ محیط داخلی آن.[۱]

۲- جهان ارزش‌های تولیدکننده انسان اقتصادی الگو (اعم از الگوی دینی یا سکولار) ناشی از صبر فردی و انتشار و هنجارکردن آن ارزش‌ها در زمان یک.

۳- جهان تثبیت هنجارها و اعتباریات اقتصادی از قبیل وفای به عقود، احترام به مالکیت و ... که این جهان تثبیت‌شده از صبر جمعی به‌دست آمده و نهادهای اقتصادی را در زمان یک اصلاح یا ایجاد می‌کند.

۴- جهان اصلاح یا تشکیل سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی بخش‌های مختلف خصوصی، دولتی، تعاونی، خیریه و غیره در زمان یک از طریق ارتباط با الگوی ایدئال دینی یا سکولار.

۵- جهان ارکان فرایند تغییرات اقتصادی تعادلی. در این جهان، کنش‌های اقتصادی قاعده‌مند در سطح اقتصاد خرد و پدیده‌های اقتصادی در سطح اقتصاد کلان با فرض ثبات سایر شرایط (ثبات منابع، شرکت‌کنندگان، نهادها و سازمان‌ها) بررسی می‌شوند.

۶- جهان ارکان فرایند تغییرات اقتصادی ساختاری و تحولی. در این جهان، کنش‌ها و پدیده‌های اقتصادی در سطح اقتصاد پیشرفت و سطح اقتصاد چشم‌انداز یا آینده‌نگر بررسی می‌شوند. طبیعی است که دقت تحلیل‌ها در این سطوح نسبت به سطح قبلی «اقتصاد خرد و اقتصاد کلان» کمتر خواهد بود؛ اما هنوز علمی‌بودن اقتصاد پیشرفت و اقتصاد چشم‌انداز یا آینده‌نگری محفوظ است. به‌تعبیر دیگر در این سطوح هم مانند سطح قبلی، به سه وظیفه اثباتی، هنجاری و کاربردی خود پای‌بند است.[۲]

۴-۲-۷. تفاوت تولید علم اقتصاد در نظریه ما با نظریه‌های اقتصاد متعارف و اقتصاد نهادگرا

اقتصاد متعارف تولید علم را در لایه پنجم فوق، یعنی «جهان ارکان فرایند تغییرات تعادلی» می‌داند. اقتصاد نهادگرایی تولید علم را در لایه‌های چهارم و پنجم دانسته و بر این نظر است که در لایه چهارم،

---

۱ - خرده‌نظام‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و دیگر خرده‌نظام‌های نظام اجتماعی فرهنگی.

۲ - علم اقتصاد به معنای انکشاف واقعیت‌های پیچیده در نظام اقتصادی است. این علم وظایفی مانند (توصیف، تبیین، پیش‌بینی، آینده‌نگری) به‌مثابه یک اقتصاد اثباتی، (بررسی راه‌های تحقق اهداف متوسط) به‌مثابه اقتصاد هنجاری و (بررسی روش‌های حل مشکلات اقتصادی) به‌مثابه اقتصاد کاربردی یا هنر مدیریت اقتصادی دارد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

یعنی «جهان اصلاح یا تشکیل سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی» کـه نهادهـای حـاکمیتی خصوصـی و عمومی به فعالیت اقتصادی می‌پردازند «اقتصاد هزینه مبادلاتی» آغـاز می‌شـود و پـس از ایـن مرحلـه است که لایه پنجم، یعنی «جهان ارکان فرایند تغییرات اقتصادی تعادلی» از ابزارهای بهینه‌یابی و عمدتاً تحلیل نهایی استفاده می‌شود و «اقتصـاد بهینـه‌یابی» در سـطح خـرد و کـلان محقـق می‌شـود (ر.ک. متوسلی، فتح‌اللهی، ۱۳۸۹، ص ۳۸).

دیدگاه این مقاله این است: علم اقتصاد اسلامی که از منبع دینی عقـل و تجربـه حاصـل می‌شـود، فقط در لایه‌های پنجم و ششم محقق می‌گردد که به وظایف اثبـاتی، هنجـاری و کـاربردی در «جهـان ارکان فرایند تغییرات اقتصادی تعادلی، ساختاری و تحولی» می‌پردازد و لایـه‌های اول تـا چهـارم کـه از منبع دینی نقل و سنت‌های الهی حاصل می‌شود، فقط پشت صحنه «علم اقتصـاد» را نشـان می‌دهنـد؛ اما خودشان علم اقتصاد نیستند؛ بلکه یکی از این چهار چیز هستند:

۱- بستر رویش علم هستند مانند لایه اول (نظام اقتصادی)؛

۲- انسان اقتصادی الگو را می‌سازند (لایه دوم)؛

۳- نهادهای اقتصادی و قواعد قوام‌بخش و مکتب اقتصادی را ایجاد می‌کنند (لایه سوم)؛

۴- سازمان‌های اقتصادی یا نهادهـای حـاکمیتی اقتصـادی کـه موجـب کـاهش هزینـه مبـادلاتی می‌شوند را می‌سازند.

بدین‌ترتیب چون «رفتار نظام‌های اقتصادی» از طریق دو منبع عقلی و نقلی دین اسلام و بر اسـاس سنت‌های الهی حاکم بر این رفتارهای تحت سنت‌ها تحلیل می‌شود می‌توان دینی‌بـودن «علـم اقتصـاد مورد نظر» را تأیید کرد.

۴-۳. روش جهان‌شمول علمی: مطالعه کیفی و کمی

باتوجه‌به نقص‌های روش‌شناختی اقتصاد متعارف و اقتصاد نهادگرا، و با لحاظ اینکه نظام‌های اقتصادی پیچیده در یک «موقعیت نامعیّن»[1] قرار دارند، می‌بایسـت از روش تلفیقـی[2] کـه امـروزه در راهبردهـای پژوهش از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است استفاده شود. برای این منظور می‌بایست ابتـدا بـه گـردآوری داده‌های کیفی پرداخت. انجام این مرحله پژوهشگر اقتصادی را بـه توصـیف جنبـه‌های بی‌شـماری از مسائل اقتصاد هدایت می‌کند. با استفاده از این شناسایی اولیه، امکان صورت‌بندی فرضیه‌هایی دربـاره مسائل گوناگون اقتصاد فراهم می‌شود. پس‌ازاین مرحله، پژوهشگر می‌تواند از طریق گردآوری داده‌های کمی، فرضیه‌ها را مورد آزمون قرار دهد.

۱ - منظور از موقعیت نامعین، یک وضعیت یا پدیده‌ای است که در مورد آن اطلاعات کافی وجود ندارد و پژوهشگر به دنبال کشف جنبه‌های مختلف آن است.

۲ - در مقابل روش‌های کمّی (در چارچوب نظری اثبات‌گرایان) و روش‌های کیفی (در چارچوب نظری تفسیرگرایان).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

چون قرآن کریم کتاب هدایت است، تجزیه‌وتحلیل نظام‌های اقتصادی را به منبع دیگر دینی، یعنی عقل سپرده است. عقل با ارشاد سنت‌های الهی و نقل می‌تواند با فرض ثبات سائر شرائط (ثبات منابع، شرکت‌کنندگان، نهادها و سازمان‌ها)، رکن متغیر نظام‌های اقتصادی، یعنی عناصر فرایند تغییرات را آسیب‌شناسی، توصیف، تبیین و پیش‌بینی کرده و راهبرد سیاستی برای ایجاد تغییرات مطلوب را ارائه کند.

کلان‌اقتصاددان خوب کسی است که ضمن شناخت «منابع، شرکت‌کنندگان، نهادها و سازمان‌ها» از یک‌سو و شناخت خرده‌نظام‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و دیگر خرده‌نظام‌های نظام اجتماعی فرهنگی، بتواند آن‌چنان متغیرهای مستقلی را برای متغیر تابع شناسایی کند که جمله اخلال «پسماند» و متغیرهای پنهان مستقل در مدل اقتصادسنجی از حداقل مقدار برخوردار شود. واقعیت آن است که علم اقتصاد متعارف در بیشتر موارد از پیش‌بینی شرطی قوی عاجز است و تنها می‌تواند به پیش‌بینی شرطی ضعیف بسنده کند.[1] در واقع، اقتصاددانان چون اطلاع عمیقی از جهان اجتماعی ساخته‌شده از نهادها و سازوکارهای درون نظام اقتصادی کشورها ندارند، اولاً متغیرهای مستقل مناسبی نمی‌توانند برای متغیر تابع انتخاب کنند؛ و ثانیاً بر فرض انتخاب درست متغیرهای مستقل، در تحلیل جمله اخلال «پسماند» و نقش متغیرهای پنهان مستقل با مشکل مواجهند و با هر ترفند اقتصادسنجی هم که بخواهند نتایج را اصلاح کنند در نهایت به پیش‌بینی شرطی ضعیف خواهند رسید. این مشکل در اقتصاد پیشرفت و اقتصاد چشم‌انداز یا آینده‌نگری بسیار عمیق‌تر به‌چشم می‌خورد؛ زیرا شرط ثبات و نظم‌پذیری در این دو علم سخت‌تر حاصل می‌شود.

۴-۴. هدف نهایی جهان‌شمول: تقلیل کمبود کالاها و خدمات نهایی

از ابتدای جعل تکوینی نظام اقتصادی خانوارها و جوامع، هدف نهایی تعادل دخل‌وخرج، عرضه‌وتقاضا و تقلیل کمبود کالاها و خدمات نهایی بود و اکنون در دوران تولید انبوه هم همین هدف برقرار است. این هدف جهان‌شمول برای تمامی نظام‌های اقتصادی سکولار و دینی است و تفاوت در سنخ تولید کالاها و خدمات نهایی، نحوه توزیع و سبک مصرفی آن‌ها موجب تفاوت در نظام‌ها می‌شود. به‌تعبیر دیگر هدف نهایی نظام‌های اقتصادی سکولار و دینی یکی است و جهان‌شمول (تقلیل کمبود کالاها و خدمات نهایی)؛ اما اهداف متوسط و سبک زندگی تفاوت می‌کند.

۵. پاسخ به نقدهای تعریف منتخب

باتوجه‌به تبیین تفصیلی «تعریف منتخب علم اقتصاد اسلامی» و تفاوت‌هایی که بین «تولید علم اقتصاد

---

۱ تونی لاوسون به نقل از «هیکس» می‌نویسد که: فرآیند پیش‌بینی، در اقتصاد از فرم زیر تبعیت دارد: ۱) الف رخ خواهد داد: پیش‌بینی غیرشرطی؛ ۲) اگر ب، آنگاه الف: پیش‌بینی شرطی قوی؛ و ۳) اگر ب، آنگاه الف؛ اگر اختلالی وجود نداشته باشد: پیش‌بینی شرطی ضعیف. بنابراین باید بین پیش‌بینی شرطی و غیرشرطی از یک‌سو و پیش‌بینی قوی و ضعیف از دیگر سو تمایز گذاشت؛ حال آنکه به اعتقاد «هیکس» مورد (۱) را مربوط به دانشمند غیرحرفه‌ای، می‌داند، دیدگاه ابطال گرایانه «پوپر» را منسوب به (۲) می‌کند و خود را و بالتبع اقتصاددانان را طرفدار (۳) معرفی می‌کند (ر.ک. قائمی‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۲۶).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

در نظریه ما با نظریه‌های اقتصاد متعارف و اقتصاد نهادگرا» قائل شده‌ایم، دیگر نباید اشکالاتی که بر تعریف‌های علم اقتصاد اسلامی از دیدگاه دیگران در ابتدای مقاله بدان اشاره کردیم، بر این تعریف وارد باشد؛ با این وجود ممکن است هنوز برخی نقدها مطرح باشد که باید بدان‌ها پاسخ داده شود.

۵-۱. تفاوت تبیین‌های مبتنی بر سنت‌های الهی با تبیین‌های علم اقتصاد

برخی تصور کرده‌اند که سنت‌های الهی مانند قانون‌های اقتصادی است که قابل تبیین تجربی و علی است و از این‌رو در مورد چگونگی نقدپذیری و آزمون‌پذیری این سنت‌های الهی و احیاناً شکست آزمون‌های تجربی ناشی از این سنت‌ها مقالاتی نوشته‌اند؛[۱] اما با تفکیکی که بین جهان‌های مرتبط با پشت صحنه و روی صحنه علم اقتصاد انجام شد، به‌نظر می‌رسد پاسخ روشن است. تبیین روی صحنه علم اقتصاد را تبیین علی گویند و تبیین پشت صحنه علم اقتصاد را تبیین دلیلی. در واقع منشأ واقعیت‌های عینی و پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی را علت[۲] و منشأ واقعیت‌های اعتباری نهادی و سازوکاری را دلیل[۳] گویند. ازاین‌رو فیلسوفان علم «علت» را مبتنی بر «دلیل» می‌دانند. آقانظری در این مورد می‌نویسد: «واقعیت در علوم اجتماعی، محصول کنش معنادار انسانی است که براساس ترتیبات نهادی انجام می‌گیرد. ... درواقع، فهم نظریه و کشف صدق آن می‌طلبد که به منشأ نظریه که همان ترتیبات نهادی است، توجه شود و این نکتهٔ اساسی مخالف تمایزی است که فلسفهٔ علم تجربه‌گرا در قرن بیستم، در قالب مدل فرضیه‌ای- قیاسی بین «مقام کشف»[۴] و «مقام داوری»[۵] مطرح کرده است؛ به‌عبارت دیگر، چیستی این نهادها از جنس چیستی موضوعات طبیعی نیستند. شناخت این نهادها به‌عنوان واقعیت‌های اجتماعی به‌مثابه شناخت مبنا و دلیل رفتارهای اجتماعی- اقتصادی است. مهم این است که رفتارهای برخاسته از نهادهای هر جامعه بدون معرفت نهادهای حاکم بر آن جامعه امکان ندارد» (آقانظری، ۱۳۹۶، ص ۵۱).

۵-۲. تفاوت‌های جهان‌شمولی موضوع و روش این تعریف با تعریف اقتصاد متعارف

موضوع جهان‌شمول این تعریف «رفتار نظام اقتصادی» است؛ اما موضوع جهان‌شمول در تعریف اقتصاد متعارف «کنش قاعده‌مند اقتصادی» است. از این‌رو روش جهان‌شمول در «تعریف منتخب»، روش کیفی و کمی (تلفیقی) است؛ اما روش جهان‌شمول اقتصاد متعارف، روش کمی است و کاربردش هم در اقتصاد کشورهایی است که ارزش‌ها، نهادها و سازمان‌های سرمایه‌سالارانه بر آن‌ها حاکم است و البته در آن کشورها هم در تحلیل بحران‌ها با مشکل مواجه می‌شوند؛ اما این روش در دیگر اقتصادها جواب مناسبی نمی‌دهد.

---

۱ - برای مثال: ر.ک. سیدی‌فرد، سیدعلی. ۱۴۰۰. «سنت‌های الهی و حساسیت به داده‌های تجربی: ملاحظاتی مفهومی و توصیه‌هایی روشی». **تحقیقات بنیادین علوم انسانی**. ش ۲۵، زمستان، ص ۲۶-۱۱.

2 - Cause.

3 - Reason.

٤ - مقام کشف و شکار= شناخت مسئله، تدوین پیش‌فرضیه‌ها و ارائه نظریه (عزتی، ۱۳۹۰، ص ۳۵).

٥ - مقام داوری= مقام محک خوردن فرضیه (همان).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

درمقابل، روش تلفیقی با پای‌بندی به نقدپذیری، «آزمون‌پذیری در موارد ممکن» و «امکان‌پذیری بحث درباره هر شیء ممکن» نشان داده است که موفق‌تر عمل کرده است و شاهدش هم مباحثی است که اقتصاددانان دگراندیش «هترودکس» در ادبیات اقتصادی مطرح کرده‌اند. البته مباحث روش‌شناسی علم اقتصاد یکی از چالشی‌ترین پروژه‌های اقتصاددانان است و پایانی برای این چالش‌ها متصور نیست.

جمع‌بندی و نتایج

دینی‌بودن علم اقتصاد اسلامی نه به هدف است، نه به موضوع. بلکه آنچه موجب می‌شود علم اقتصاد دینی گردد روش کیفی و کمی بررسی علی (کنش‌های قاعده‌مند و پدیده‌ها) مبتنی بر دلیل و قواعد قوام‌بخشی است که از سنت‌های الهی اقتباس شده است. نتایجی که از تعریف منتخب حاصل می‌شوند، عبارت‌اند از:

۱- هدف نهایی، موضوع و روش علم اقتصاد اسلامی جهان‌شمول است.

۲- تحلیل‌های اقتصادی جهان‌شمول نداریم و غالب این تحلیل‌ها بومی است؛ ازآنجاکه لایه‌های چهارگانه اولیه نظام‌های اقتصادی با یکدیگر تفاوت دارند، ازاین‌رو قواعد اجتماعی نظام‌ها با یکدیگر تفاوت‌هایی داشته و نمی‌توان ابتنای کنش‌های قاعده‌مند و پدیده‌های اقتصادی را بر قواعد اجتماعی را در نظام‌های متفاوت به شکل واحد و جهان‌شمول ملاحظه کرد. بدین ترتیب تحلیل‌های اقتصادی جهان‌شمول ممکن است نداشته باشیم و بسیاری از تحلیل‌ها، بومی هر نظام خواهد بود.

۳- روش‌شناسی و نگاه مقاله، قدرت تحلیل تمامی نظام‌های اقتصادی قدیم، جدید و آتی را دارد؛ با روش فوق‌الذکر هیچ تفاوتی بین اقتصادهای ابتدایی، در حال پیشرفت، پیشرفته و فوق پیشرفته از منظر تحلیل وجود ندارد.

۴- روش‌شناسی و نگاه مقاله، به‌آسانی نقص تحلیل‌های اقتصاد متعارف، اقتصاد هترودکس و اقتصاد اسلامی متعارف را به‌طور خلاصه صریحاً یا تلویحاً آشکار کرده است. بدیهی است که تبیین و آشکارسازی تفصیلی این نقص‌ها مستلزم بحث‌ها و نوشته‌های بیشتری است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

منابع

آقانظری، حسن. ۱۳۹۶. **روش‌شناسی علم اقتصاد اسلامی با رویکرد واقعیت نهادی.** چ ۱. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سمت.

آقانظری، حسن؛ محمدجواد توکلی و محمد بیدار. ۱۳۹۷. «معناشناسی "مکتب"، "نظام" و "علم" در ادبیات اقتصاد اسلامی». **معرفت اقتصاد اسلامی.** ش ۱۹.

آقانظری، حسن. ۱۴۰۰. **اصول و مبانی اقتصاد اسلامی.** چ ۲. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

پایا، علی و حسین سوزنچی. ۱۳۹۳. «علم دینی؛ آری یا نه؟ مناظره مکتوب دکتر علی پایا و حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر حسین سوزنچی». **علوم انسانی اسلامی صدرا.** ش ۹.

پایا، علی. ۱۳۸۶. «ملاحظاتی نقادانه درباره دو مفهوم علم دینی و علم بومی». **حکمت و فلسفه.** س ۳، ش ۲ و ۳.

پورحسن، قاسم. ۱۳۹۳. «اعتباریات اجتماعی و نتایج معرفتی آن؛ بازخوانی دیدگاه علامه طباطبائی». **حکمت و فلسفه.** س ۹، ش ۴.

جوادی آملی، عبدالله. ۱۴۰۱. **علم دینی.** تحقیق و تنظیم: حمید پارسانیا. چ ۱. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات.

جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۸. **تسنیم.** ج ۱۶. تحقیق: عبدالکریم عابدینی. چ ۲. قم: اسراء.

جهانیان، ناصر. ۱۴۰۲. **اقتصاد نهاد وقف.** چ ۱. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

جهانیان، ناصر. ۱۳۸۲. **اهداف توسعه با نگرش سیستمی.** چ ۱. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

خسروپناه، عبدالحسین و مجید رجبی. ۱۳۹۹. «گستره و روش‌شناسی فقه‌الاجتماع». **فقه.** س ۲۷، ش ۱ (۱۰۱).

ربانی گلپایگانی، علی. ۱۳۹۶. «بررسی دیدگاه‌ها درباره چیستی علم دینی». **کلام اسلامی.** ش ۱۰۳.

رشاد، علی‌اکبر. ۱۴۰۰. «نگاهی دیگرباره به معیار علم دینی». **قبسات.** ش ۱۰۰.

صدر، سیدمحمدباقر. ۱۳۸۱. **سنت‌های تاریخ در قرآن.** ترجمه: سیدجمال‌الدین موسوی اصفهانی. چ ۳. تهران: نشر تفاهم.

صدر، سیدمحمدباقر. ۱۴۱۷ ق. **اقتصادنا.** تحقیق: عبدالحکیم ضیاء، علی‌اکبر ناجی، سیدمحمد حسینی و صابر اکبری. چ ۱. قم: دفتر تبلیغات اسلامی – شعبه خراسان.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. ۱۴۱۷ ق. **المیزان فی تفسیر القرآن.** چ ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، احمدبن علی. ۱۴۰۳ ق. **الإحتجاج علی أهل اللجاج.** تحقیق: محمدباقر خرسان. ج ۱-۲. چ ۱. مشهد: نشر مرتضی.

عزتی، مرتضی. ۱۳۹۰. **روش تحقیق در علوم اجتماعی: کاربرد در زمینه مسائل اقتصادی.** چ ۶. تهران: انتشارات نور علم و پژوهش‌های ما.

علی‌تبار فیروزجایی، رمضان. ۱۳۹۶. **علم دینی: ماهیت و روش‌شناسی.** چ ۱. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

قائمی‌نیا، علی‌اصغر. ۱۳۹۲. «دیدگاه تونی لاوسون در دو کتاب "اقتصاد و واقعیت" و "بازبنیاد اقتصاد"». **کتاب ماه علوم اجتماعی**. ش ۶۵.

قائمی‌نیا، علیرضا. ۱۳۹۱. «روش‌شناسی اقتصاد اسلامی به مثابه علم دینی». **کتاب ماه علوم اجتماعی**. ش ۵۱ و ۵۲.

قرشی، سیدعلی‌اکبر. ۱۳۷۷. **تفسیر احسن الحدیث**. چ ۳. تهران: بنیاد بعثت.

متوسلی، محمود و جمال فتح‌اللهی. ۱۳۸۹. «مقدمه‌ای بر نظریات ویلیامسون و کاربرد آن در تحلیل مسائل توسعه ایران». **پژوهش‌های اقتصادی**. س ۱۰، ش ۳.

محدث، علیرضا و شمس‌الله مریجی. ۱۳۹۲. «بررسی جایگاه اعتباریات در بعد ناگذرای علم در علوم اجتماعی از دیدگاه روی بسکار». **معرفت فرهنگی اجتماعی**. ش ۱۷.

مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۹۳. **رابطه علم و دین**. تحقیق و نگارش: علی مصباح. چ ۲. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مطهری، مرتضی. ۱۳۷۵. **مجموعه آثار استاد شهید مطهری**. ج ۶. چ ۴. تهران: انتشارات صدرا.

معرفی محمدی، عبدالحمید. ۱۴۰۴. «ارائه یک روش کل‌نگر در علم اقتصاد». سومین نشست تخصصی شورای ارتقاء علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۳۰ اردیبهشت.

ملکیان، مصطفی؛ جورج آل مورفی؛ ادوارد بی دیویس و ریچارد اچ بل. ۱۳۷۹. «امکان و چگونگی علم دینی». **روش‌شناسی علوم انسانی**. ش ۲۲.

موحد ابطحی، سیدمحمدتقی. ۱۳۹۶. «نقد طبقه‌بندی و معرفی رویکردهای علم دینی و اسلامی‌سازی علوم». در **فلسفه علم و علم دینی**. نقد کتاب حکمت. س ۴، ش ۱۵ و ۱۶.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله. ۱۳۶۸. **چهل حدیث**. چ ۱. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

میرمعزی، سیدحسین. ۱۳۸۶ الف. «روش فلسفه علم اقتصاد اسلامی». **اقتصاد اسلامی**. ش ۲۷.

میرمعزی، سیدحسین. ۱۳۸۶ ب. «موضوع علم اقتصاد اسلامی». **اقتصاد اسلامی**. ش ۲۸.

میرمعزی، سیدحسین. ۱۳۸۸. **فلسفه علم اقتصاد اسلامی**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Choudhury, Masudul Alam. 2018. "Tawhidi Islamic economics in reference to the methodology arising from the Qur'ān and the Sunnah". **ISRA International Journal of Islamic Finance** . Vol. 10, Issue 2. pp. 263-276.

Furqani, Hafas. 2018. "Defining Islamic Economics: Scholars' Approach, Clarifying The Nature, Scope and Subject-Matter of The Discipline". **TUJISE, Turkish Journal of Islamic Economics**.

Holesovsky, Vaclav. 1977 .**Economic Systems: Analysis and Comparison** .New York: McGraw-Hill Book Co.

Rehman, Scheherazade S. and Hossein Askari. 2010. "An Economic Islamicity Index (EI2)". **Global Economy Journal** .Vol. 10, Issue 3. Article 1.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]

Sadr, Seyed Kazem. 2019. "The Methodology of Islamic Economics".**Iranian Economic Review** .Vol. 23.

Stilwell, Frank. 2019. "From Economics to Political Economy: Contradictions, Challenge, and Change".**American Journal of Economics and Sociology** .Vol. 78, No. 1.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-07]